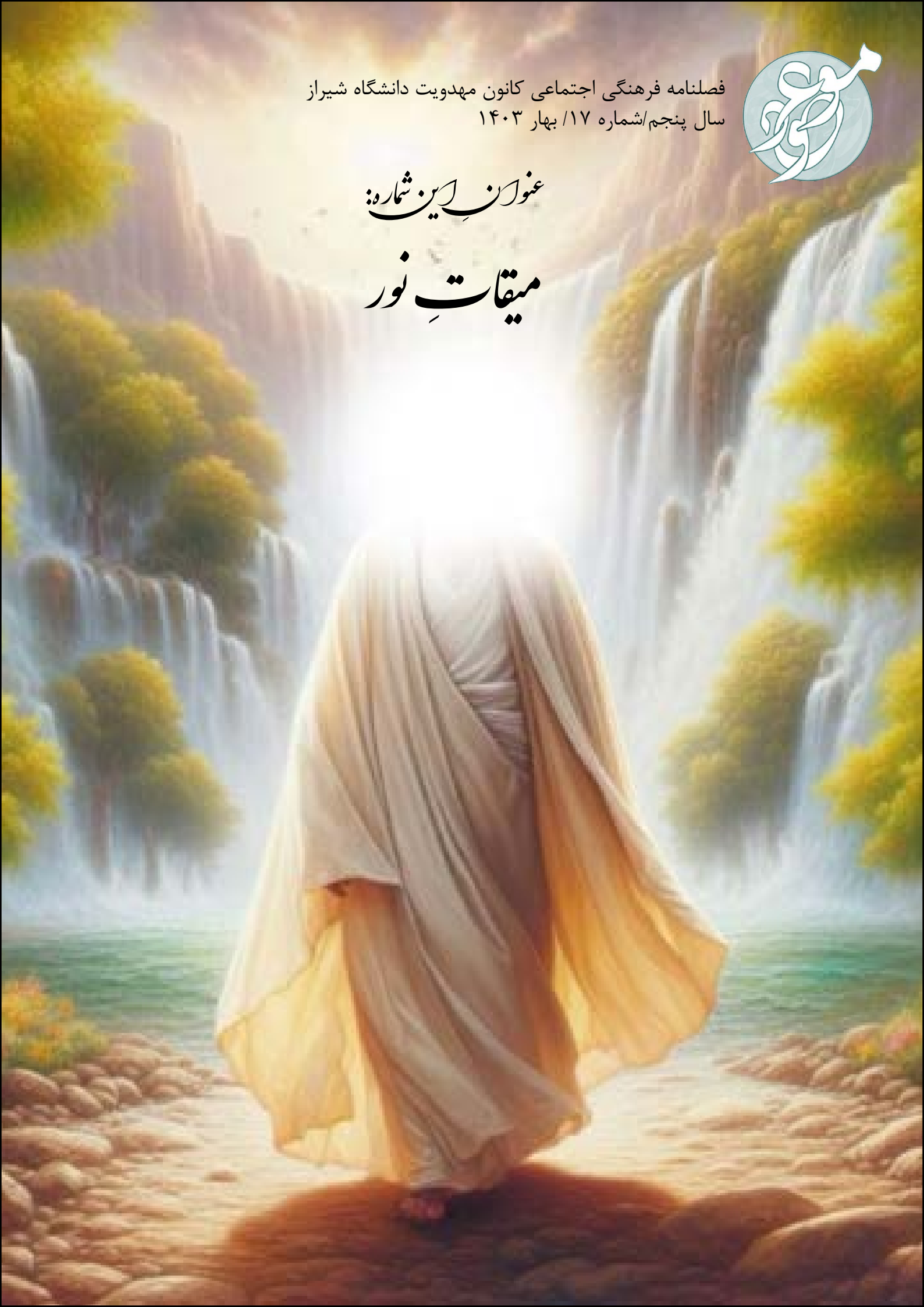


فصلنامه فرهنگی اجتماعی کانون مهدویت دانشگاه شیراز
سال پنجم/شماره ۱۷/بهار ۱۴۰۳



عنوان این شماره: میقات نور



فصلنامه فرهنگی اجتماعی کانون مهدویت دانشگاه شیراز

سال پنجم / شماره ۱۷ / بهار ۱۴۰۳

صاحب امتیاز: کانون مهدویت دانشگاه شیراز

استاد مشاور: دکتر غلامرضا کافی

مدیر مسئول: نرجس کیانیان راد

سردبیر: مریم اقتداری، نرجس کیانیان راد

ویراستار: نرجس کیانیان راد

هیئت تحریریه: ریحانه مفتاح، هما ایران پور، فرشاد حسینی، مجتبی عزیزی،

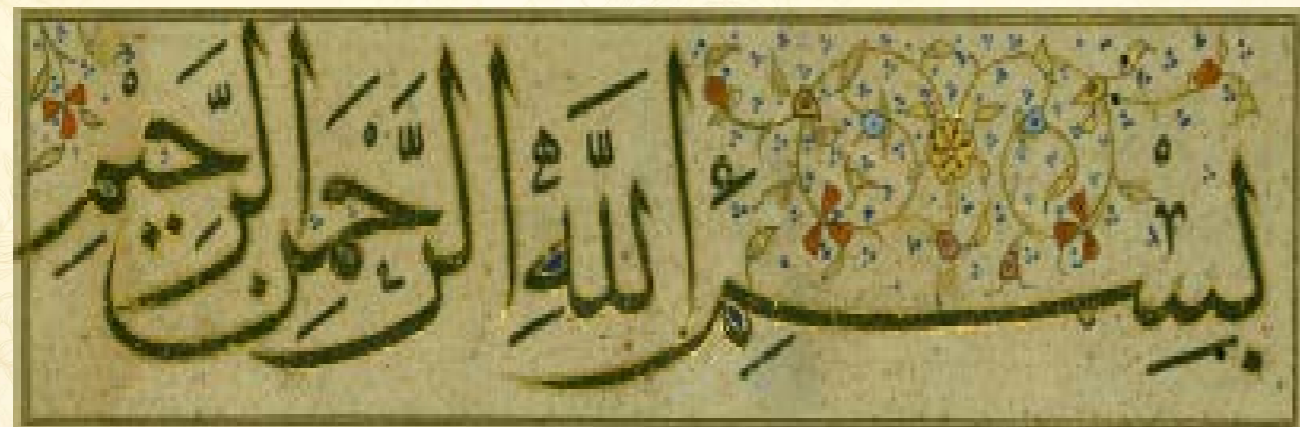
احمد رفیعی وردنجانی، غلامرضا کافی، زلیخا بنی ایمان، زینب مختاری، فاطمه

سعادت خواه، فاطمه کشاورزی، زهره شکاری، نرجس کیانیان راد، مریم اقتداری

با تشکر از همکاری: فاطمه جاوید، معصومه مرادی، عاطفه عمیقی زاده

طراح و صفحه آرا:

فاطمه نوری





فهرست

- ۶
- ۸
- ۱۶
- ۴۹
- ۵۷
- ۶۱
- ۶۴
- ۶۷
- ۶۸
- ۶۹
- ۷۱
- ۷۴
- ۷۶
- ۷۹
- ۸۱
- ۸۹

- سخن سردبیر
- شانه های عصر ظهور
- دفاع مقدس
- فتنه های مخالفان
- ذکر جمکرانی من
- تیغ و تیر
- مجموعه اشعار
- مهدی می آید
- داستان کوتاه
- نامه به رهبری از طرف کودک فلسطینی
- سفرنامه اردوی تشییع شهدا
- دلنوشته
- مصاحبه
- معرفی کتاب
- با هم خواستار ظهور شویم
- گزارش از برنامه ها



سخن سردبیر

نرجس کیانیان راد

دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه شیراز

«ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی
دل بی تو به جان آمد وقت است که باز آیی»



در این روزگار، چشمان، همه، نظاره گر هستند که قبل از خورشید، نجات بخش عالم طلوع کند. در این هیاهوی دلهره آور، در این دنیای پر از جنگ، خودخواهی و پر از سنگدلی تنها اوست که از سمت خداوند متعال خواهد آمد و جهان را عادلانه زیبا می کند.

بنده مفتخر هستم که در این شماره از نشریه موعود به عنوان سردبیر در خدمت تمام شما عزیزان باشم و گام کوچکی در جهت ظهور مهدی موعود (عج) بردارم؛ با این اوصاف همواره از خداوند منان می خواهم که:

اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنِي لِمَا خَلَقْتَنِي لَهُ؛
«خدایا مرا خرج کاری کن که مرا برای آن آفریدی.»

به راستی که هر

چه از محبت و بزرگواری صاحب نشریه، حضرت ولی عصر (عج) بگویم کم گفته ام؛ برکتی که ایشان به عمر و حیات آدمیان می دهد فراتر از وصف است.

از خانم مریم اقتداری، سردبیر دو شماره گذشته، کمال تشکر را دارم که در این امر به ما یاری رساندند.

در دو شماره پیشین نشریه موعود با عنوان «سامیگانِ ظهور» منتشر شد که در آن ها از بانوان محترم و والا مقامی یاد شد که در عرصه مهدویت اقداماتی انجام داده بودند. این دو شماره تقدیم به محضر مبارک حضرت ولی عصر (عج) و حضرت زینب (س) شد.

اینک در این شماره از نشریه شما در موضوع های مرتبط با حضرت مهدی (عج) متن های جالب مختلفی مطالعه

خواهید کرد و با وقایع تازه و نو عصر غیبت آشنا می شوید که اکنون در آن برهه قرار داریم. پیشاپیش از توجه شما سپاسگزارم، امیدوارم همه ما توفیق خدمت به حضرت مهدی (عج) را داشته باشیم و به زودی چشممان به جمال محمدی ایشان روشن شود؛ چرا که ایشان است که در کنف لطف و هدایتشان از جانب خدا به صراط مستقیم خواهیم رسید.

«حالا که موسایم شدی
راهی نشانم ده
غیر از نجات، این قوم از
موسی چه می خواهد؟»



نشانه‌های ظهور امام زمان (عج) در عصر حاضر

مجتبی عزیزی

دانشجوی دکتری تاریخ

اسلامی

دانشگاه شیراز

بسیاری از معتقدان به ظهور امام زمان، حضرت مهدی(عج)، در عصر حاضر، باور دارند که این وقایع باید در اسلام شیعه بررسی شوند اگرچه مهدویت در ادیان دیگر نیز به شکل متفاوت و نشانه‌های خاص خود است. چرا که این نشانه‌ها اغلب بر اساس روایات و حدیث‌های اسلامی معرفی می‌شوند. موضوع نشانه‌های ظهور امام زمان(عج) در عصر حاضر یکی از مسائل مهم در اسلام شیعه است که بر اساس نظرات و باورهای مختلف مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. برخی از توضیحات دقیق‌تر این نشانه‌ها و باورها به شرح زیر است:

۱_ آماده‌سازی نظامی، فرهنگی و معنوی
۲_ انحرافات و فساد در جامعه
این توضیحات و باورها نشان می‌دهند که نشانه‌های ظهور امام مهدی(عج) در عصر حاضر به شدت باور شده و بررسی می‌شوند، اما توجه داشته باشید که این مسئله بسته به باورها و معتقدات مختلف، تفسیرها و نگرش‌های متفاوتی دارد. بخش اول از قسمت نخست، درباره آماده‌سازی نظامی قبل از ظهور امام مهدی(عج) است. برخی از معتقدان به این باورند که قبل از ظهور امام مهدی(عج)، افراد و گروه‌هایی در جامعه ظاهر می‌شوند که برای حمایت از او آماده‌سازی نظامی می‌کنند. این نیروها به نام «انصار الامام» شناخته می‌شوند و به طور فعال

در آماده‌سازی برای ظهور امام مهدی(عج) و حمایت از او دخیل هستند. این آماده‌سازی نظامی شامل آموزش نظامی، تجهیزات و سازماندهی مناسب است تا امام مهدی(عج) در زمان ظهور، با حمایت این نیروها، بتواند مأموریت خود را به خوبی انجام دهد. در بخش دوم از قسمت اول، مورد اصلی آماده‌سازی معنوی و فرهنگی برای ظهور امام مهدی(عج) را بررسی می‌کنیم. علاوه بر آماده‌سازی نظامی، برخی از معتقدان معتقدند که امام مهدی(عج) به‌طور معنوی و فرهنگی نیز انسان‌ها را برای ظهور خود آماده می‌کند. این آماده‌سازی شامل ترویج اخلاق و ارزش‌های اسلامی، انتشار دانش و معرفت، و انصاف در جامعه است. معتقدان به این باورند که امام مهدی(عج) با ترویج

اخلاق و ارزش‌های اسلامی می‌تواند جامعه را به سمت عدالت و انصاف هدایت کند و فرهنگ ظلم و فساد را از بین ببرد. همچنین با انتشار دانش و معرفت، امکان ایجاد یک جامعه دانشمندان و پیشرفته که

بر پایه عدالت و انصاف قرار دارد، فراهم می‌شود. به طور کلی، آماده‌سازی معنوی و فرهنگی برای ظهور امام مهدی(عج) شامل ترویج ارزش‌های اخلاقی، انتشار دانش و معرفت، و ایجاد محیطی

پر از عدالت و انصاف است که افراد را برای پذیرش امام مهدی(عج) و پیروی از او آماده می‌کند. بخش دوم، انحرافات و فساد در جامعه، به وضعیت‌هایی اشاره دارد که از ارزش‌ها، اخلاقیات و قوانین



اجتماعی منحرف شده و به نتیجه‌ای مضر برای جامعه و افراد آن منجر می‌شود. معتقدان بر این باورند که ظهور امام مهدی (عج) در زمانی اتفاق می‌افتد که جامعه به فساد و انحرافات زیادی دچار شده است و امام مهدی (عج) با ظهور خود به تصحیح و اصلاح این مسائل می‌پردازد این انحرافات و فسادها در ابعاد مختلفی می‌توانند شامل موارد زیر باشند:

۱_ فساد اقتصادی: شامل

فساد در حوزه مالی و اقتصادی مانند رشوه، اختلاس، تبانی، کلاهبرداری و... است. این نوع فساد منجر به عدم توزیع منصفانه‌ی ثروت و فرصت‌های اقتصادی می‌شود و به طور غیرمستقیم از پیشرفت و رشد اقتصادی جلوگیری می‌کند. فساد اقتصادی به هر نوع عملکرد نامناسب یا غیرقانونی در حوزه اقتصاد اشاره دارد که منجر به از دست دادن منافع عمومی، تخریب اعتماد عمومی به

نظام اقتصادی، تضعیف رشد و توسعه اقتصادی می‌شود. این نوع فساد می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

رشوه: پرداخت یا دریافت وجه یا هدایت خدمات به منظور تأثیرگذاری بر تصمیمات اقتصادی مانند صدور مجوزها، قراردادها یا تصمیمات مالی.

اختلاس: استفاده غیرقانونی از منابع مالی یا دارایی‌های عمومی یا خصوصی به نفع شخص یا



گروه خاص.

تبانی: توطئه یا توافق غیرقانونی بین افراد یا شرکت‌ها به منظور تحکیم قدرت یا کنترل بازار، کاهش رقابت و افزایش قیمت‌ها.

کلاهبرداری: استفاده از حقوق و دارایی‌های دیگران به طور ناقص یا مغایر با قوانین برای کسب منافع شخصی.

پول‌شویی: فرآوری پول حاصل از فعالیت‌های غیرقانونی به نحوی که

منشأ آن پنهان شود. تبعیض و تباهی اخلاقی: رفتارهای ناقض اصول اخلاقی و اجتماعی که منجر به تخریب اعتماد عمومی و ارزش‌های جامعه می‌شود.

این اقدامات به طور مستقیم یا غیرمستقیم، منجر به تخریب ارتباطات اقتصادی، کاهش توانمندی رقابتی، ایجاد عدم توازن در توزیع ثروت، و افزایش هزینه‌ها برای جامعه می‌شود. برای مقابله با

فساد اقتصادی، اهمیت دارد که قوانین محکم و کارآمد ایجاد شود، نظارت و کنترل‌های لازم برای اجرای این قوانین تامین شود، و فرهنگ اخلاقی و اجتماعی سالم در جامعه ترویج یافته و حفظ شود.

۲_ فساد سیاسی: شامل فساد در ساختارها و نظام‌های سیاسی می‌شود که به صورت مثال شامل فساد در انتخابات، مسائل پولیتیکتیکی، تعارض منافع و... است. این نوع فساد



می‌تواند به نابودی اعتماد عمومی به نظام سیاسی و افزایش بی‌ثباتی منجر شود. فساد سیاسی به مواردی اشاره دارد که در زمینه فرآیندهای سیاسی و دولتی رخ می‌دهد و معمولاً شامل استفاده نادرست از قدرت و تأثیرگذاری بر فرآیندهای سیاسی و تصمیمات دولتی است. این نوع فساد می‌تواند شامل موارد زیر باشد: رشوه: پرداخت یا دریافت وجه یا هدایت خدمات به منظور تأثیرگذاری بر

تصمیمات سیاسی، اعم از صدور قوانین، تعیین سیاست‌ها یا انتخابات. اختلاس: سوءاستفاده از منابع عمومی به منظور بهره‌برداری شخصی یا گروهی، مانند اختلاس اعتبارات دولتی یا سوءاستفاده از منابع دولتی برای تأمین منافع شخصی. تبانی: توطئه یا توافق غیرقانونی بین افراد یا گروه‌ها به منظور تحکیم قدرت یا کنترل سیاست‌ها و تصمیمات دولتی. انتقال فساد: استفاده از

قدرت یا منابع دولتی به منظور انتقال فساد به دیگر بخش‌ها یا کشورها. سانسور و محدودیت حقوق مدنی: محدود کردن حقوق مدنی و آزادی‌های شهروندان، مثل حق دسترسی به اطلاعات و حق به آزادی بیان. تباهی اخلاقی و سیاسی: رفتارهای ناقض اخلاقیات و اصول سیاسی که منجر به تخریب اعتماد عمومی به نظام سیاسی می‌شود. این اقدامات، منجر به تخریب اعتماد عمومی به

ساختارهای سیاسی، تخریب اصول دموکراتیک، افزایش نابرابری و سلطه می‌شود. برای مقابله با فساد سیاسی، نیاز به ایجاد سیستم‌ها و مکانیسم‌های نظارتی مستقل، ایجاد شفافیت در فرآیندهای سیاسی، و تقویت فرهنگ حقوقی و اخلاقی در جامعه است.

۳- فساد اجتماعی: شامل فساد در رفتارها و روابط اجتماعی می‌شود که ممکن است شامل اخلاقیات ناپایدار، تباهی اخلاقی، اعتیادات، جرم و

جنایت، فساد خانوادگی و... باشد. این نوع فساد منجر به تضعیف ارتباطات اجتماعی، افزایش جرم و جنایت و ضعف ساختارهای اجتماعی می‌شود. فساد اجتماعی به وضعیتی اشاره دارد که در آن ارزش‌ها، اخلاقیات، و رفتارهای اجتماعی در جامعه به شکلی مخرب تحت تأثیر قرار می‌گیرند. این نوع از فساد شامل گستره وسیعی از مسائل اجتماعی است که منجر به نارضایتی عمومی، افزایش تضادات اجتماعی، و

ضعف ساختارهای اجتماعی می‌شود. برخی از ویژگی‌ها و علل فساد اجتماعی عبارتند از: فساد در نظام حکمرانی: وجود فساد در سطوح مختلف نظام حاکمیتی مانند فساد در نظام قضایی، اداری، و سیاسی که باعث تخریب اعتماد عمومی به نظام می‌شود.

تبعیض اجتماعی: وجود تبعیض نژادی، جنسیتی، قومیتی یا اجتماعی که منجر به نارضایتی اقشار مختلف جامعه می‌شود.





فقر و نابرابری اقتصادی: نابرابری در توزیع ثروت و منابع که باعث ناامنی اقتصادی و اجتماعی می شود. فساد در عرصه سلامت و آموزش: وجود فساد در حوزه‌های بهداشت و درمان و آموزش که باعث کاهش کیفیت خدمات عمومی می شود. جرم و جنایت: افزایش جرم و جنایت، قاچاق انسان و مواد مخدر که ناشی

از ضعف نظام اجتماعی و امنیتی است. فساد در محیط زیست: نادیده گرفتن مسائل زیست‌محیطی و فساد در حوزه‌های مربوط به حفاظت از محیط زیست. تباهی فرهنگی: ترویج ارزش‌های منفی و تخریب ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی در جامعه. برای مقابله با فساد اجتماعی، لازم است تلاش‌های گسترده‌ای از

سوی نهادهای مختلف اجتماعی و دولتی صورت بگیرد. این تلاش‌ها ممکن است شامل تقویت حاکمیت قانون، ارتقاء انصاف اجتماعی و اقتصادی، ترویج فرهنگ شفافیت و پاسخگویی، تقویت ساختارهای آموزشی و بهداشتی، تحریک به مشارکت شهروندی فعال، و توسعه زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی مناسب برای توسعه پایدار جامعه است. به طور کلی، انحرافات و فساد در جامعه منجر به

تضعیف نظام اجتماعی، کاهش اعتماد عمومی، فقدان عدالت و انصاف، و پیچیده‌تر شدن مشکلات اجتماعی می شود و نیازمند توجه و تلاش جامعه و نظام‌های مربوطه برای مقابله با آن است.

۴- فساد فرهنگی: شامل فساد در ارزش‌ها، باورها و مقدسات فرهنگی جامعه می شود. این نوع فساد می تواند به از دست دادن هویت فرهنگی و معنویت جامعه، تضعیف اخلاقیات و ارزش‌های ملی، و ایجاد تضادات فرهنگی منجر شود.

فساد فرهنگی به وضعیتی اشاره دارد که اخلاق، ارزش‌ها، و رفتارهای اجتماعی در یک جامعه تحت تأثیر ناپسندی قرار می گیرند. این نوع فساد معمولاً بیشتر از همه در زمینه‌های زیر مشاهده می شود:

رفتارهای نااخلاقی: این شامل هرگونه رفتار ناپسند،

ناشایست، یا غیراخلاقی است که ممکن است شامل رشوه‌خواری، تقلب، سوءاستفاده از موقعیت، و تباهی اخلاقی و اجتماعی باشد.

تحریک به هرج و مرج: فساد فرهنگی می تواند منجر به ایجاد ناامنی و نارضایتی در جامعه شود و باعث تحریک به هرج و مرج، اعتراضات و اعمال خشونت‌آمیز شود.

افزایش فاصله اجتماعی: فساد فرهنگی می تواند باعث ایجاد فاصله بین اقشار مختلف جامعه شود، به طوری که افراد احساس کنند قانون برای همه یکسان نیست و اختلافات اجتماعی به شدت افزایش یابد.

تضعیف ساختارهای اجتماعی: فساد فرهنگی می تواند منجر به تضعیف نظام‌ها و ساختارهای اجتماعی مانند خانواده، مدرسه، و مؤسسات دولتی شود که این امر باعث

ناتوانی در مقابله با چالش‌ها و مسائل اجتماعی می شود. تضييع منابع: فساد فرهنگی می تواند باعث تضييع منابع ملی و اقتصادی شود، زیرا منابع به جای این که برای توسعه و رفاه عمومی استفاده شوند، به دست افراد و گروه‌های متمرکز و قدرتمند رفته و برای منافع شخصی استفاده شود.

برای مقابله با این چالش‌ها، نیاز به ترویج فرهنگ شفافیت، پاسخگویی، و اخلاقیات در جامعه است. همچنین تقویت نظام‌های حاکمیتی، تقویت نظام‌های آموزشی و ارتقاء آگاهی عمومی نقش مهمی در پیشگیری و مقابله با فساد فرهنگی دارند.

این موارد، نشانگر نشانه‌های است به طور تقریبی و تحلیل‌هایی که با مقایسه تاریخی می تواند برخی نشانه‌های ظهور در عصر حاضر را بررسی کند و جامعه و مردمی که با اعتقادات مهدویت هم سو

دفاع مقدس

بررسی تحول مضمون در نمایش های دفاع مقدس در دهه ی هفتاد

زلیخا بنی یمان
دانشجوی کارگردانی
نمایش واحد شیراز

چکیده

این پژوهش بر آن است تا برترین بسترهای مضمونی را در نمایش های دفاع مقدس در دهه ی هفتاد شمسوی بررسی کند هم در این میان سیر تحول این مضامین را نشان دهد. تحقیق حاضر که به شیوه ی کتابخانه ای و منبع پژوهی مستقیم صورت گرفته است، با مطالعه ی خلاصه نمایش ها بر اساس فرهنگ چهارجلدی تیاتر دفاع مقدس به بیست و پنج انگاره ی موضوعی و مضمونی دست یافته است. هرچند جزء نگرانه تر می شد به تقسیمات یا انگاره های دیگری نیز رسید. یافته ها نشان می دهد

که مضمون های نمایشی این دوره اگرچه به صراحت دهه ی شصت نیستند، چندان هم به نگاه ضمنی و تلویحی دهه ی بعد نزدیک نیستند و هنوز از حال وهوای جنگ فاصله ی زیادی نگرفته اند. شخصیت پردازی در نمایش های این دوره همچنان محدود و معدود به شهدا و نهایتاً جانبازان جنگ است و شهدا و موضوع دینی عاشورا، در کنار اصل مقابله ی خیر و شر از برترین انگاره های معنایی در این نمایش ها به حساب می آیند. نیز این که نمایش های دفاع مقدس هم به حسب ضرورت زمان و هم به جهت حمایت دستگاهی، از مطرح ترین موضوعات در جامعه تیاتر ایران در این دهه به حساب می آیند

کلیدواژه‌ها:

دفاع مقدس، نمایش



کشور را اینها نگه داشته اند



تثبیت پایه‌ی حکومت خود سود ببرند. هنر مدرن تیاتر که محصول یک صدسال اخیر است و از سوغات های خوب فرنگی و فرهنگی به حساب می آید، بیشتر بالندگی خود را از همراهی با دردهای جامعه دارد. در عصر حاضر نیز یکی از بسترهای این هنر و سبب های رشد و رونق نمایشنامه نویسی همانا واقعه جنگ ایران و عراق بوده است که از آن به دفاع مقدس تعبیر

می شود جنگ اگر چه سخت ناگوار است، اما دست مایه های فراوانی را در اختیار هنرمندان قرار می دهد تا از آن برای پرورش هنر خود سود ببرند. این گونه است که در کشور ما در چهار دهه ی اخیر، عنوان تیاتر دفاع مقدس رونقی شایسته داشته است و اینک پژوهش حاضر برآن است تا تحول مضامین نمایشنامه نویسی دفاع مقدس را در طول دهه

ی هفتاد بررسی نماید

۲- بیان مسأله

معمولا تحولات اجتماعی دگرگونی یا حتی پیدایش جریانهای ادبی هنری را در پی دارد. با شکل گیری انقلاب اسلامی به عنوان بزرگترین تحول سیاسی و اجتماعی دوران معاصر، به ویژه برای خاورمیانه و کشور ما، تمام ارکان زندگی اجتماعی مردم دچار تحول و تغییر گردید. اتفاق سیاسی انقلاب اسلامی



با رهبری روحانی و مبانی اندیشگانی دینی و مذهبی، در عین مردم گرایی و داعیه ی جمهوریت، خیلی زود، جامعه جهانی را متوجه خود ساخت. در روزگاری که خردگرایی (سکولاریسم) با لایه ی پنهان دین ستیزی داعیه ی فرمانروایی جهان را داشت، به یکباره انقلابی دینی در منطقه ای بسیار حساس از جهان روی نمود و معادلات نظام جهانی را بر هم زد. این گونه بود

که حاکمیت عصرراهی جز مقابله با این رویداد بیدارگر که در اندک مجالی برای خود دولت بسامانی راتریتب داده بود، ندید و برای به شکست کشیدن این جریان سیاسی نوپا و البته نو داعیه، جنگ همه جانبه ای را بر ضد او ترتیب داد و جامعه ی انقلابی برای حراست از وطن، دین و انقلاب خود دست به دفاعی همه جانبه زد که از آن به دفاع مقدس تعبیر

می شود. جنگ تحمیلی که بعدها با یک دریافت دقیق سیاسی، عنوان دفاع مقدس به خود گرفت، رفته رفته با زندگی مردم ایران درآمیخت و کم کم تمام شوون زندگی آنان را تحت تاثیر خود قرار داد. در این مبارزه ی فراگیر یا دفاع مقدس هر کس به نحوی که توانست به کمک آمد و در این میان کارکرد و توانمندی هنر نیز به مدد کشور برخاست تا



آن که ادبیات و هنر دفاع مقدس، به عنوان گونه ای خاص از ادب و هنر در این سرزمین شکل گرفت، بالید و اندک اندک شاخص ها و شخصیت های خود را معرفی کرد. اینک عنوان «نمایش دفاع مقدس» جریان پویا و تاثیرگذار در جامعه هنری ایران است که تمام هویت و ماهیت خود را از انقلاب اسلامی ایران و دقیق تر، همان دفاع مقدس دارد. انقلاب و خصوصاً جنگ به عنوان دو رویداد مهم، دست مایه ای شایسته را برای هنر و هنرمند پدید آوردند و از این رو، هنر دفاع مقدس، توانست با استفاده از این دست مایه ی مهم، خیلی زود شکل بگیرد، تجربه بیندود، سبک پیدا کند و تحول بپذیرد. نمایشنامه نویسی نیز در کنار سایر گونه های ادب و هنر دفاع مقدس، سیر تعالی و ترقی خود را با نخستین سال های جنگ آغاز کرد. با

توجه به تحول اندیشگانی عظیمی که تحت تاثیر انقلاب اسلامی و آموزه های آن، به ویژه دین گرایی، انسان مداری، ارزش زن، عدالت طلبی و اخلاق مندی در جامعه روی داد، هنر نمایش و نمایش نامه نویسی نیز از این آموزه ها تاثیر پذیرفت و توانست با دگرذیسی و پوست اندازی قابل اعتنایی به رشد مضمونی و تحول معنایی و محتوایی شایسته دست پیدا کند

روشن است که با گذر سالیان از جنگ و پایان یافتن آن و دگرگونی اوضاع، حوزه ی مضمونی و محتوایی هنر دفاع مقدس و به تبع آن، نمایشنامه نویسی نیز دگرگونی هایی به خود دید. اینک مقاله حاضر، برآن است تا سیر تحول و تطور نمایشنامه نویسی دفاع مقدس را، از منظر مضمون و محتوا در طول دهه ی بلافصل پس از جنگ، موسوم به دهه ی هفتاد،

بررسی نماید و برای این منظور، آثار نگاشته شده در پیوند با موضوع دفاع مقدس را تا حد امکان از نظر گذرانده و با درنگ در دو دهه ی شصت و هفتاد، یعنی «دوره ی جنگ» و دهه ی پس از جنگ، مسیر تحول مضمونی نمایشنامه ها را نشان داده است. در واقع این پژوهش به این سوال بنیادین جواب می دهد که نمایشنامه نویسی دفاع مقدس، در طول این دهه، از نظر مضمون، محتوا و جان مایه چه تحولاتی به خود دیده است؟

بدیهی است که برای رسیدن به پاسخ دقیق این پرسش نخست باید بسترهای مضمونی دفاع مقدس را، آن هم در دهه ی شصت بررسی کنیم تا از این رهگذر بتوانیم حوزه های مضمونی دهه ی هفتاد را شناسایی و رصد کنیم. تحلیل تحول و دگرذیسی مضامین و موضوعات در دهه ی هفتاد به طور عمیقی به شناخت

دهه ی پیش از خود وابسته است. آنچه در اول نظر به چشم می آید این است که در دهه ی شصت به دلیل حضور و حیات جنگ، نمایشنامه ها روایت مستقیم تری را حتی بدون کمک از خیال و گذر از شاهراه تخیل نویسنده و بی هیچ تزیین و آراستگی خاصی روی نموده اند. محیط نمایشها غالباً متن جبهه ی جنگ است و شخصیت ها نیز اغلب از درون جبهه انتخاب شده

اند. اما با آغاز دهه ی هفتاد که با پایان جنگ همراه بوده است، در حوزه های مختلف هنر نمایش، دگرگونی هایی روی نموده است. پایان جنگ به معنی آغاز بروز عواطف و احساسات جنگ از خاکستر آن بود که می توانست دستمایه ی مهمی برای هنرمندان، به ویژه نمایشنامه نویسان باشد. همچنین تهییج و تبلیغ در این زمان فروکش کرده بود و کاررنگین کردن

خیال و پیچش متن آغاز شده بود. زاویه های نگاه از تمرکز بر صحنه ی جنگ به جهت های مختلف چرخیده بود و بدین سبب فضاها، شخصیت ها و پایان بندی های تازه تری رخ گشوده بود.

۳- پیشینه ی پژوهش

اگر چه هنر دفاع مقدس، به ویژه در برخی گونه ها، همزاد دفاع مقدس است، اما بی شک کار تحلیل





و پژوهش هنر، در حوزه ی دفاع مقدس، سال ها بعد از شکل گیری آثار هنری روی نموده است و اصولا کار پژوهش و نقد و تحلیل آثار ادبی و هنری، با فاصله از تولیدات هنری قرار دارد. وانگهی نقد و تحلیل نمایشنامه نویسی در کشور ما چندان رویکرد پرسامدی ندارد. امروزه با وجود دایر بودن رشته ها و گرایشهای هنر نمایش نظیر ادبیات نمایشی و یا

کارگردانی نمایش، هنوز رونق به سزایی در پژوهش این هنر به چشم نمی خورد؛ اما عرصه چندان هم خالی نیست و به مدد دانشگاهی شدن هنر نمایش، اندک منابعی در این باره پدید آمده است. در این میان، جریان نمایش نامه نویسی دفاع مقدس به لطف حمایت های دستگاهی و دولتی البته می تواند وضعیت بهتری نسبت به جریان غیر وابسته داشته

باشد که چنین نیز هست جست و جوی ما در این زمینه، البته یافته های فراوانی نداشت و در موضوع خاص «تحول مضمون» تنها به یک مقاله دست یافتیم. پایان نامه دانشگاهی نیز در پیوند با موضوع نمایشنامه نویسی دفاع مقدس بسیار ناچیز بود و «جست و جوگر ایرانداک» به رغم استفاده از کلید واژه های متعدد، هیچ اثری را به ما معرفی نکرد. در صورتی که ما خود، به



یکی دو عنوان پایان نامه در این موضوع دست یافته بودیم. با این همه به تعدادی کتاب، پایان نامه و مقاله دست یافتیم که در این جا به معرفی آنها می پردازیم و تاکید می کنیم که هیچ اثری با موضوع خاص پژوهش ما یعنی «بررسی سیر تحول مضمون در نمایشنامه نویسی دفاع مقدس در طول دهه ی هفتاد» به رؤیت نرسید " فرهنگ جامع تیاتر دفاع مقدس" (حامد سقاییان و همکاران، ۱۳۹۰)

این اثر که پژوهشی ۵ جلدی و مفصل است، به همت بنیاد حفظ آثار و نشرهای فراسخن و صاعقه در سال های مختلف فراهم آمده است و اگر چه هر جلد پژوهشگرانی ویژه دارد، تمام آن تحت اشراف دکتر مهدی حامدسقاییان سامان یافته است. و موضوعاتی نظیر نمایشنامه های چاپ شده در دوره های مختلف از آغاز تا سال ۹۰، معرفی

نمایشنامه نویسان، نمایش های رادیویی و تله تیاتر ها را شامل می شود. همچنین نقدها و منابع در پیوند با تیاتر دفاع مقدس نیز معرفی شده اند. علاوه بر دکتر حامدسقاییان، می توان به فرهاد مهدی پور، سید میثم مطهری، زهرا کولیوند، ایرج افشاری اصل، روح الله رنجبر و... به عنوان گروه پژوهشی این اثر اشاره کرد "نت گمشده" (بابایی ربیعی، ۱۳۸۸)

این کتاب در واقع مجموعه مقالات چهارمین همایش تیاتر مقاومت است که به کوشش و ویرایش محسن ربیعی بابایی و حسین مسافر آستانه فراهم آمده است. و به همت انجمن تیاتر انقلاب و دفاع مقدس در ۳۵۲ صفحه به چاپ رسیده است. در این مجموعه که ارجمنندی خود را دارد، مقاله های متعددی در حوزه های مختلف تیاتر درمانی، الگوهای داستانی تیاتر دفاع مقدس، باید ها

و نباید های نمایش نامه نویسی دفاع مقدس منتشر شده است. از جمله عناوین این مقالات می توان به "ارزیابی تولید نمایش های دفاع مقدس از متن تا اجرا" یا "بررسی نشانه شناختی مکان در نمایش های مقاومت" اشاره کرد مجموعه مقالات سومین همایش تیاتر مقاومت است که از سوی انجمن تیاتر انقلاب و دفاع مقدس در دو فصل متفاوت چاپ و منتشر شده است. در این کتاب از کسانی نظیر رحمت امینی، حسین فدایی حسین، نصرالله قادری، پیام فروتن و... مقالاتی درج شده است عنوان مقاله ای است که به قلم سعید اعلائی و در صفحه ی ۵۴ از شماره ی مجله ی صحنه به چاپ رسیده است. با توجه به موضوع تحقیق ما، این مقاله به خوبی می تواند مورد استفاده قرار گیرد. خاصه آن که بازنمایی



عواطف جنگ در دهه ی هفتاد، به عنوان یکی از مهمترین بستر های موضوعی نمایش ها در این دهه مورد توجه است.

«در جنگ و درباره ی جنگ» (فدایی حسین، ۱۳۸۸)

عنوان مقاله ای است که آن هم در سایت «توید شاهد» به تاریخ ۱۳۸۸/۱۰/۱۰، چاپ شده است و حالت مصاحبه دارد

در این نوشته ی کوتاه ۱۰ صفحه ای، اشاره به مضمون های رایج در نمایش های دفاع مقدس در دو دوره ی جنگ و پس از جنگ دارد و این مضامین را در دو گروه عمده یعنی مضامین در جنگ و مضامین درباره ی جنگ تقسیم بندی کرده است

«مروری بر تیاتر دفاع مقدس و تیاتر مقاومت» (مجد، ۱۳۹۷)

عنوان مقاله ای است علمی پژوهشی که به قلم امید مجد و دو تن از

همکارانش نوشته شده و در مجله ی ادبیات پایداری (سال دهم، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۹۷، ص ۲۷۹) به چاپ رسیده است. این مقاله اگر چه به موضوع مورد نظر ما نپرداخته ولی مباحثی کلی را در پیوند با تیاتر دفاع مقدس مطرح کرده است که به عنوان پیش زمینه و باز شناخت عنوان نمایش دفاع مقدس بسیار مفید است

"کارنامه ی پژوهش تیاتر دفاع مقدس در دوازده سال فعالیت نشریه ی صحنه" (مطهری، ۱۲۹۰)

این اثر، پژوهشی آماری و توصیفی از آثار نمایشی در پیوند با دفاع مقدس است که به قلم سید میثم مطهری به عنوان یکی از چهره های فعال در حوزه ی تیاتر دفاع مقدس فراهم آمده است. این مقاله از آن جهت که به جمع آوری آمار نمایش ها پرداخته، ارزشمند است و با توجه به پیدایش صحنه در سال

های پایانی هفتاد، مقدار قابل توجهی از نمایش های مورد مطالعه ی ما در این آمار آمده است «واقعیت گرایی و جایگاه آن در درام نویسی و اجرای تاتر دفاع مقدس» (نصیری، ۱۳۹۲)

مقاله ی نسبتاً کوتاهی است که مهدی نصیری به همراه حمید ساروخانی، آن را نوشته و در مجله تخصصی صحنه (صحنه، شماره ۹۴، پاییز ۱۳۹۲، ص ۳۹) به چاپ رسیده است. این مقاله یک گروه از مضمون کلی نمایشنامه های دفاع مقدس، یعنی واقع گرایی را تشریح می کند

"آسیب شناسی نمایشنامه های دفاع مقدس" (کاظمی زردخویی، ۱۳۹۶)

مقاله ای است با ارزش علمی پژوهشی که در مجله مطالعات علوم سیاسی و حقوق و فقه به چاپ رسیده و نویسنده که دارای آثار متعددی در این حوزه است، بر اساس درنگ در

سه نمایشنامه ی برجسته ی دفاع مقدس، یعنی بوی خوش جنگ (عبدالرضا حیاتی)، تپه ی افلاک (سید حسین فدایی حسین) و شکسته بخوان (علی رویین تن) به آسیب های موجود در نمایش های دفاع مقدس پرداخته است

"بررسی و تحلیل تاثیر تعزیه بر نمایش دفاع مقدس" (رییسی، ۱۳۹۶)

نیز مقاله ای است با ارزش علمی پژوهشی که به

قلم دکتر احسان رییسی و مصطفی جعفری امین آبادی، در مجله ادبیات پایداری کرمان به چاپ رسیده است و از پیوند فرهنگ عاشورا با دفاع مقدس سخن می گوید و این پیوند را از زاویه ی تاثیر تعزیه های عاشورایی بر جریان نمایشنامه نویسی دفاع مقدس تحلیل کرده است

همچنین به عنوان پیشینه ی تحقیق می توان

به این مقاله ها اشاره کرد: «بازتاب دفاع مقدس در ادبیات نمایش کودک و نوجوان» (بی تا، ۱۳۸۸)

- بازتاب روح زنانه در ادبیات نمایش دفاع مقدس با تکیه بر پنج نمایش نامه (حامد سقایان، ۱۳۹۲)

- «بازتاب جنگ در فضای خانواده و روابط خانواده، در نمایشنامه های دفاع مقدس» (بی تا، ۱۳۸۹)

- «دفاع مقدس و ادبیات نمایشی» (رفیعی، ۱۳۸۹)





- "ماهیت و چنو چون متون نمایشی دفاع مقدس" (بوستانی شهر بابکی، ۱۳۹۰)

۴. ادبیات دفاع مقدس

ادبیات دفاع مقدس شاخه نورسته ای است بر درخت تناور ادبیات این «کهن بوم و بر» که از عمر آن بیش از چهار دهه می گذرد. به تعبیری شاید کم کم دوران جوانی اش را هم پشت سر می گذارد. اما آیا نسبت به عمر خود که

کوتاه هم نیست؛ چه تعداد آثار خلاقه و ماندگار به گنجینه ادبیات داستانی ما افزوده است؟ و اصولاً آیا به همین نسبت در زمینه شعر و داستان و نمایشنامه و در یک عبارت کلی «ادبیات خلاقه» با تنوع مضامین و تعدد نویسندگان فعال رو به رو بوده ایم؟ سایه سفارش تا چه میزان بر این ادبیات گسترده؟ و آیا می توان این ادعا را که این ادبیات به ادبیاتی محفلی تبدیل شده

پذیرفت.

در حوزه اصطلاح‌شناسی ادبیات داستانی پس از انقلاب، اصطلاحات متعددی با دامنه مفهومی متعددی جعل شده است. به نظر می‌رسد اصطلاح ادبیات پایداری آخرین اصطلاحی است که تلاش دارد مفهوم ادبیات دفاع مقدس را به یک مفهوم لازمان و لامکان توسعه دهد. در حقیقت زمینه به وجود آمدن این ادبیات



مقارن با تحولات جنگ تحمیلی است. ابتدا از آن به ادبیات جنگ یاد می‌شد و سپس ادبیات دفاع مقدس جایگزین آن شد. به هر حال «ادبالمقاومه» یا فارسی اش ادبیات مقاومت، گویای ادبیات دفاع مقدس نیست چرا که ادبیات دفاع مقدس مبتنی بر دو کلید واژه بنیادین است. ابتدا دفاع که ما در اصل معتقد به آن بوده و هستیم و دیگر تقدس که اشاره به الهی بودن آن دارد. نسبت ادبیات دفاع مقدس و پایداری عام و خاص مطلق است. هر ادبیات دفاع مقدس، ادبیات پایداری هست ولی هر مصداقی از ادبیات پایداری، لزوماً ادبیات دفاع مقدس نیست. یعنی با انتخاب اصطلاح ادبیات پایداری ما نوعی توسعه را در مفهوم ادبیات قائل شده‌ایم که هر گونه دفاع و ایستایی در برابر متجاوز را هم شامل می‌شود. اشکال آنجا بروز می‌کند که مفهوم پایداری تمام حقیقت

دفاع مقدس را منتقل نمی‌کند و حتی نمی‌تواند خصوصیات گونه‌ای ادبیات دفاع مقدس را بیان کند. به عبارت دیگر این اصطلاح هر نوع پایداری غیر قدسی را هم که در معارف ما نیست شامل می‌شود. به تعبیری، این تعریف جامع هست اما مانع نیست. هدفمندی در حوزه ادبیات مهم است؛ چون ما قائل به این هستیم که ادبیات هدف و غایتی را دنبال می‌کند. اما از هدف دو برداشت می‌توان داشت. گاه می‌گوییم هدف همان چیزی است که ادبیات دفاع مقدس از زمان شروع به آن رسیده و جایگاه کنونی آن معلول همه اتفاق‌هایی است که برای آن افتاده و گاه با مفهوم برنامه‌ریزی و اولویت‌بندی که بر اساس اهداف دور و نزدیک تقسیم شده به آن نگاه می‌کنیم.

البته دیگر برداشت از مفهوم هدفمندی در ادبیات دفاع مقدس، تعهد است.

هدف ادبیات دفاع مقدس و هدف دفاع مقدس از یک جنس هستند و تفاوتی با هم ندارند. یعنی نمی‌توان با هدف تبیین دفاع مقدسی که قربه الی‌الله و به قصد حفظ کیان اسلام و نظام بود، اثری نوشت که به این امر قدسی بی‌اعتنا باشد و قداست آن را زیر سوال ببرد. ادبیات دفاع مقدس به همه حقایق قدسی دفاع مقدس متعهد است.

۵. تحول مضمون‌ها در دهه ی هفتاد

با پایان یافتن جنگ و برقراری آتش‌بس و در پی آن ایجاد آرامش اجتماعی در کشور، به نظر می‌رسید فضا و موقعیت لازم برای نگاهی دیگرگون و متفاوت به جنگ، فارغ از جنبه‌های تبلیغی و تحریک‌کننده فراهم شده است؛ اما تا سال ۱۳۷۲ و برگزاری اولین دوره «مسابقه نمایشنامه‌نویسی دفاع مقدس»، خبر چندانی از رویکرد متفاوت و متناسب



با سالهای پس از جنگ در ادبیات نمایشی این دوره مشاهده نمی‌شود. البته به صراحت نمی‌توان چنین ادعایی را داشت، چراکه در درجه اول ممکن است فقدان اخبار و اسناد پژوهشی در این خصوص باعث ایجاد چنین برداشتی از این دوره شده باشد و در درجه دوم نگارش و اجرای نمایش‌هایی مانند «عطا سردار مغلوب» نوشته و کار «علیرضا نادری» در سال ۱۳۷۱ و در «هفتمین جشنواره تئاتر دانشجویان»، نشان از وجود رگه‌های مضمونی متفاوت از جنگ در چنین دوره‌ای است. علیرضا نادری که خود از جوانان نسل جنگ بوده و در جبهه نیز حضور داشته است، در نمایشنامه «عطا سردار مغلوب» با نگاهی انتقادی به شرایط رزمندگان و سرداران زخم‌خورده زمان جنگ، در حال حاضر می‌پردازد.

هرچند پیش از اولین دوره «مسابقه نمایشنامه‌نویسی و

جشنواره تئاتر دفاع مقدس»، جشنواره‌هایی با رویکرد به جنگ و دفاع مقدس برگزار شده بود، اما می‌توان رویکرد جدی و قابل توجه و البته مورد استناد به مضامین متنوع و متفاوت جنگ را در آثار «مسابقه نمایشنامه‌نویسی و جشنواره تئاتر دفاع مقدس» نشان کرد. پس از مراجعه به اسناد مکتوب و در نگ بر عنوان و موضوع آثار برگزیده دوره‌های مختلف «مسابقات نمایشنامه‌نویسی و جشنواره‌های تئاتر دفاع مقدس»، شامل متن نمایشنامه‌های چاپ شده و شناسنامه نمایشنامه‌های اجرا شده در ۱۱ دوره جشنواره، به تقسیم‌بندی کلی از مضمون‌های مورد توجه نویسندگان آثار جنگ دست می‌یابیم.

با بررسی متن و خلاصه داستان بیش از ۲۵۰ اثر مکتوب نمایشی، برگزیده در «مسابقات نمایشنامه‌نویسی و

جشنواره‌های تئاتر دفاع مقدس»، این انگاره‌ها و بسترهای مضمونی که اغلب آن‌ها به نوعی تحول یافته و نوپدید می‌نمایند، رخ می‌نمایند

۵-۱- انگاره‌ی تبلیغی و تهییجی

در خصوص «نگاه تبلیغی و تهییجی به جنگ»، پیشتر مواردی مطرح گردید و عنوان شد که این مضامین مربوط به زمان جنگ بود؛ اما در برخی از آثار پس از جنگ نیز هنوز شاهد نگاه برخی نویسندگان به این مضمون از جنگ هستیم. به طور مثال در نمایشنامه‌های «غزلوژه قصد»، نوشته عزت‌الله مهرآوران چاپ شده در دومین جلد از مجموعه تئاتر مقاومت؛ «از بی‌نامی‌های عشق» نوشته محمدرضا آریانفر، در سومین جلد از مجموعه تئاتر مقاومت؛ «فتح‌الفتوح» نوشته نصرت‌الله سیافی و «مسافر» نوشته مسعود

سمیعی اجرا شده در اولین جشنواره تئاتر دفاع مقدس این حال و هوا پایدار است. روشن است که وقتی چنان از جنگ فاصله نگرفته باشیم هنوز حال و هوای آن در جامعه باقی باشد و از آنجا که هیجان جنگ بستر مناسبی برای هنرنمایی است بدیهی است که هنرمندان تا فرصت دارند مایل باشند از آن سود ببرند. از دیگر سو، حمایت دستگاهی از این گونه نمایش

ها در نزد مسوولان فرهنگی می‌تواند سبب دیگری بر نگارش و اجرای چنین مضمون‌هایی باشد.

۵-۲- انگاره‌ی تطبیقی و تاریخی

عنوان ادبیات انقلاب، نوعی التزام و تعهد را در خود تعبیه دارد، بنابراین ادبیات انقلاب ادبیاتی معناگراست و پیام نهفته یا همان جان‌مایه که از منظر

معناگرایان، ارجمندترین قسمت نوشته به حساب می‌آید، در نوع ادبی اهمیت به سزایی دارد و اصولاً مشترکات جهانی ادبیات مربوط به فحوا و پیام است، نه چیز دیگر. «ادبیات انقلاب که متعلق به عصر ملتها خوانده می‌شود، مخاطبی نیز جز توده‌ی مردم ندارد و نمی‌تواند برای خوش‌آمد یک فرد یا یک حاکم یا حتی یک گروه اجتماعی



پدید آید.» (بهبودی، ۱۷:۱۳۷۳)
 همچنین داشتن مشترکات فکری و اندیشگی در میان مردم مختلف جهان از ویژگی‌های این نوع از ادبیات به حساب می‌آید. گذشته‌گرایی، زمان آگاهی و بصیرت، همراه با درک دقیق درد مردم و تکریم مقام انسان نیز از خصایص آن است. حافظه‌ی ملتها همیشه سرشار از یادکرد قهرمانان و تکریم و پاسداشت

آنان است و همواره در خوشی‌ها و ناخوشی‌های زمان خود، به گذشته پیوند می‌خورند تا از دو منظر درس و عبرت از آن رهنمود بگیرند. ارسال مثل، تلویح و تلمیح که امروزه ما به چشم آرایه‌های ادبی و صنایع سخن به آنها نگاه می‌کنیم، زاده‌ی همین خوی پیوند خوردگی آدمی با گذشته است. بنابراین پیوند با تاریخ از ویژگی‌های معنایی ادبیات انقلاب است

که به علت بسامد و داشتن شواهد در ادبیات جهان، خصیصه‌ی سبکی این نوع ادبیات محسوب می‌شود نویسنده‌ی دفاع مقدس همچنان که زمان-آگاه است، گذشته را نیز به خوبی به خاطر دارد. او که خود را در هیأت یک مبارز تصور می‌کند، نوعی پیوند و تعلق خاطر را نیز بین خود و مبارزان انقلابی گذشته، حتی فراتر از مرزهای جغرافیایی وطن



خویش احساس می‌کند. پس به ستایش آنان لب می‌گشاید و حماسه‌ی آنان را بازگو می‌کند. بدین ترتیب ادبیات انقلاب آگاهانه با تاریخ پیوند می‌خورد. چنان که در نمایش «عکس یادگاری» نوشته‌ی سلمان صالحی زهی (همان، ۱۷۶) در روزگار ناصرالدین شاه رفته رفته با رویداد انقلاب اسلامی رو به زوال می‌رود از همین گونه است نمایش «شیون در باد» (جهانگیر جهانفر) که در آن آمادگی مردم را در دوران مبارزه‌ی میرزا کوچک خان جنگلی حکایت می‌کند. در این نمایش، نظامی فریب خورده‌ای متحول می‌شود و به صف مبارزان می‌پیوندد. موضوع طغیان میرزا در این نمایش به طغیان مردم بر علیه پهلوی دوم و نهایتاً پیروزی انقلاب اسلامی می‌پیوندد (همان، ۱۸۶).

۵-۳- انگاره‌ی معنویت و عرفان

حق این است که ادبیات و هنر دفاع مقدس، کاملاً معناگراست و شکل و صورت در آن مرتبه‌ی دوم اهمیت را دارد. از این رو برخی صاحب نظران این نکته را از آسیب‌های جدی ادبیات دفاع مقدس می‌دانند که در نمایشنامه نویسی این حوزه نیز نفوذ کرده است. این دسته از منتقدان بر این باورند که رویکردهای ژرف ساختی وانگاره‌های محتوایی در آثار نمایشی به وضوح بر جنبه‌های ساختار و شکل غلبه دارد. اما شایسته‌ی عنوان مقدس همین است که معنویت و نگاه عرفانی از مهمترین جان مایه‌های ادبیات نمایشی ما باشد. فراتر از نگاه دینی، برداشت‌ها و دریافت‌های عرفانی از دفاع مقدس است که توجه هنرمندان را که غالباً با این حوزه خویشاوندی دارند، به خود جلب کرده است. ضمن این که مقوله‌ی عرفان از دیرباز با ادبیات

ما آمیزگاری نمایانی داشته است. همه این عوامل انگاره‌ی معنویت و عرفان را در فحوای نمایش‌های دفاع مقدس قابل توجه ساخته است. همین نگاه ماورائی را می‌توان در نمایش آینده قهرمانان دفاع مقدس در نمایشنامه‌ها نیز مشاهده کرد. در بسیاری از نمایشنامه‌های دفاع مقدس نمایشنامه نویس قهرمان شهید را در لباسی سفید و با چهره‌ای روحانی به صحنه می‌آورد و با این کار اولاً؛ مخاطب و همراهان قهرمان داستان را نسبت به آینده قهرمان در دنیای ماورائی مطمئن می‌سازد و از سوی دیگر اعتقاد به عالم معنا نتیجه دار بودن هدف مقدس را در این مسیر مورد توجه قرار می‌دهد. این قهرمانان پس از شهادت به عالم واقعیت می‌آیند و بر سر فرزندان و بستگانشان دست می‌کشند تا هدفشان را از گذشته تا امروز و



حتی در آینده مورد تاکید و توجه قرار داده باشند به عنوان مثال چنین پرداختی را به وضوح می‌توان در همه نمایشنامه‌های سید حسین فدایی حسین که گرایش‌های مذهبی هم در آنها مشهود و بارز است مشاهده کرد

۴-۵- انکاره‌ی ستم

ستیزی

یکی دیگر از مفاهیم مهم و مولفه‌های مورد توجه در ادبیات دفاع مقدس ستم

ستیزی و حمایت از مظلوم است که این موضوع در کتاب از نتایج سحر (سنگری، ۱۳۹۲) و پژوهش‌نامه‌ی ادبیات انقلاب اسلامی (کافی، ۱۳۹۳) بازتاب دارد

با توجه به روح ظلم ستیز انقلاب که از اندیشه‌ی حضرت امام خمینی به عنوان معمار انقلاب، در مبارزه با هر گونه ستم و تعدی نشأت می‌گرفت، نویسنده‌ی

انقلاب نیز به این دریافت نزدیک شده، هر گونه ستم و ستمگری را نشانه می‌رود. در کنار ستم ستیزی، حمایت از ملل مظلوم نیز حضور دارد. از آنجا که معمولاً در کنار ظالم، مظلومی نیز حضور دارد، بنابراین ستم ستیزی خود نوعی حمایت پیش از این، رگه‌هایی از ستم ستیزی و حمایت از مظلوم رادر تاریخ می‌توان دید. بارزترین آن بی‌گمان،



مربوط به عصر مشروطه است. اما تفاوت آن با ادبیات مقاومت در این است که در ادبیات پس از انقلاب، فقط ایران منظور نظر نیست، بلکه همه‌ی مستضعفان و مظلومان جهان مورد توجه اند و همه‌ی ستمکاران عالم، مغضوب و مذموم.

حداد عادل می‌گوید

«ادبیات انقلاب اسلامی ملتزم به ارزش‌های اجتماعی است. ملتزم به دفاع از محرومان و مستضعفان است. ادبیات ستم ستیز است.» (اکبری، ۱۳۷۳: ۳۴۹)

ستم ستیزی و حمایت از مظلوم، علاوه بر اینکه تعلیم دیدگاهی انقلاب است، نشان از آگاهی و زمان - آگاهی نویسندگان نیز دارد در نمایش‌های دفاع مقدس، به ویژه در دهه‌ی هفتاد نیز این مضمون دیده می‌شود

نمایش «مسیح هرگز نخواهد گریست» (محمد چرمشیر) بنیانی ستم

ستیزانه دارد که در آن به ستمگری نظام آپارتاید و استعمار در حق سیاه پوستان آمریکا می‌پردازد و به نوعی از سیاهان مظلوم حمایت می‌کند (حامدسقیان، ج ۱، ۱۳۹۱: ۱۸۳). همچنین نمایش «پکی و تون» به نویسندگی محمد ناصری شوریدن بر ربا خواری را دستمایه قرار داده است (همان، ۱۹۴).

۵-۵- انگاره‌ی بصیرت و اقدام به موقع اصولاً حادثه‌ی انقلاب اسلامی که تحولات گوناگونی در زندگی مردم ایران پدید آورد، آگاهی سیاسی آنان را نیز بالا برد و ملت ایران را در جهان به عنوان ملتی سیاسی، با بصیرت و آگاه به زمان معرفی کرد

این آموزه‌ی انقلاب اسلامی نیز مانند سایر تعلیمات آن در ادبیات و فرآیندهای آن متجلی گشت. قابل ذکر این که در آثاری که با موضوع



تحلیل هنر انقلاب نوشته شده است، محور بصیرت و زمان آگاهی نیز مورد توجه قرار گرفته است. در میان نسل‌های سه گانه‌ی هنرمندان انقلاب، مضمون و محور «بصیرت و زمان آگاهی» بیشتر در نسل دوم نمود و بروز دارد و تقریباً موقعیت زمانی پس از جنگ تا پایان دهه‌ی هفتاد را شامل می‌شود

این جان مایه به طرز نمایانی در نمایش‌های دفاع مقدس، به ویژه در دوره‌ی مورد مطالعه‌ی ما یعنی دهه‌ی هفتاد شمسی نمود دارد. چنان که نمایش «عیادت» (فریدون آقا محمد) موضوع عیادت مش رجب را مطرح می‌کند که مرد بسیار خوبی است و اینک در بستر بیماری است و مردمان ده جلو قهوه‌خانه جمع شده‌اند تا به عیادت او بروند. این جماعت چندان معطل می‌کنند و به امور بی‌ارزش مشغول می‌شوند که شاهد عبور جنازه‌ی

مش رجب از مقابل قهوه خانه می شوند(حامدسقایان، ۱۳۹۱: ۱۷۷).

۵-۶- انکاره ی کهن

الگوی خیر و شر

همان گونه که این انگاره را کهن الگو خواندیم، همواره تقابل الگوهای خیر و شر در جامعه ی بشری حضور داشته اند. طبعاً در رویدادی مانند جنگ نیز این الگو خیلی بارزتر از جاهای دیگر دیده می شود. چه بسا که هر دوسوی جنگ شر باشند. در جنگ ما که مورد تهاجم قرار گرفتیم طبعاً یک سو خیر و یک سو شر بود. در نمایش های دفاع مقدس نیز این تقابل دستمایه ی مضمونی تعدادی از آثار قرار گرفته است. اگر چه در دوره ی نخست، یعنی دهه ی شصت فراوانی بیشتری داشته است. با این همه در این دهه نیز گهگاه به نمونه هایی بر می خوریم. به عنوان نمونه، می

توان به نمایش «دهانی پر از کلاغ» به نویسندگی جمشید خانیان اشاره کرد. در خلاصه داستان این اثر نمایشی آمده است: دو برادر پس از هفده سال در مکان نامشخصی با یکدیگر دیدار می کنند و خاطراتشان را از دوران کودکی، نوجوانی تا جوانی شان که در جنگ گذشت را مرور می کنند. آن ها با اینکه دوقلو هستند در خانواده بسیار مورد تبعیض قرار گرفته اند و این موضوع برادر کوچکتر را دچار کینه و عقده کرده است. دو مرد و دو زن مربع درام نمایش «دهانی پر از کلاغ» را شکل می دهند. تقابلی از این دست در این نمایش در قامت دو برادر سر فضایی میان رئال و سورئال در نوسان است که در پس زمینه از حالات مختلف انسانی از قبیل خشم، حرص، آز و عشق به تم دفاع مقدس نیز می پردازد. «دهانی پر از کلاغ» نمایشی

است که مضمونش با دفاع مقدس و ارزش های آن دوران همخوانی دارد و بنمایه اثر بر مبنای ساختار رئالیسم جادویی شکل گرفته است. در نمایش های دفاع مقدس گاه به چنین مضمون هایی بر می خوریم. هرچند در دهه ی شصت چنین نمایش هایی بیشتر یافت می شد. نمایش اپیزودیک «زخمی ها» نوشته ی حسن کربلایی طاهر و فرهاد نقد علی بنیانی این گونه دارد که از مقابله ی هابیل و قابیل شروع می شود و تا اغلب خیر و شرها در جامعه بشری ادامه می یابد. در داستان دوم از رزمندگان ایران و عراق می گوید (حامدسقایان، ۱۳۹۱: ۱۹۸).

۵-۷- انکاره ی دغدغه

ی حفظ ارزش ها

نمایش «عقیم» به نویسندگی علیرضا معروف، از آن دست نمایش هایی است که گرچه هویت خود را

از دل تجربیات واقع گرایانه دوران دفاع مقدس و حواشی آن به عاریه گرفته، درون مایه اش وامدار خاطرات و یادداشتهای مردم آن روزگار است و حتی در ظاهر تلاش می کند تا از دل والاترین ارزش فرهنگی آن دوران یعنی شهادت، مخاطب را بر سر دو راهی ایشار به تفکر وانهد؛ اما وقتی به عمق داستان گریز می زنیم از دل این هیاهوی دهه شصتی، روایتی بیرون

می ریزد که از جنس ذهنیت مردم آدهه ی بعد است. آدم هایی که سیل ناملایم تغییرات فرهنگی و اجتماعی عصر مدرنیته آنچنان چتر خود را بر تار و پود اخلاقیات شان گسترانیده، که در فراندوم برای انتخاب «من اجتماعی» یا «من فردی» که روزگاری میدان نبرد طبقات خاص بود، بر من اجتماعی خط بطلان می کشند. از همین روست که این داستان در این برهه

زمانی قابل درک می شود و می تواند مخاطب را به فکر وا دارد. نمایش گریزی به سالهای ۶۶-۶۷ دارد و از درهم تنیدگی دو رویداد متفاوت شکل می گیرد. در رویداد اول، طوبی و فرزندش آرش هستند که بعد از ۲۰ سال برای فروش یک قطعه زمین به ایران می آیند. در این روایت من فردی به عنوان هدیه نوظهور غرب به ایران در دورانی که تعهد و حفظ ارزش های اجتماعی





از اصول مورد تأیید اکثریت بود، به خوبی از سوی علیرضا معروفی روایت می‌شود. طوبی با این روحیه فرزندان را گول می‌زند و آرش با این روحیه که محصول تربیت دوگانه مادر از خودبیگانه شده است، از تعهدات اجتماعی سرباز می‌زند. نمایش در روایت اول استحاله ی فرهنگی را نشان می‌دهد و در رویداد دوم، داستان صادق برادر طوبی روایت می‌گردد. این

روایت چکیده ای از تفکرات مردم در دهه شصت است. روزگاری که هویت فرد با «من اجتماعی» گره خورده بود و دغدغه ی حفظ ارزش ها نخستین چالش فکری به حساب می آمد. در پیوند با موضوعی که شرح داده شد، می توان نمونه ای از نمایش نامه ی «زمانه» به قلم محمد بکرانی را شاهد آورد -داوود: ماهارو شماها فراموش کردین. با ما

عکس یادگاری گرفتین و پُز اونا را دادین. در صورتی که با ما زاویه پیدا کردین و دیگه اون رویه رو قبول ندارین... دفاع مقدس از نظر شما تاریخ مصرفش تموم شده و دیگه الان کاربردی نداره. در صورتی که اون موقع برات یک فریضه بود. چه بلایی سر شماها آوردن که از اعتقادات و ارزشها دست کشیدین... به چیزایی معتقد شدین که اصلا قبولشون نداشتین...



چه بلایی سر شما اومده که ضد ارزشها برات شده ملاک عمل؟ چرا ترک فعل کردی؟؟... شما همونایی بودین که وقتی یه جایی گیر میکردی و بیسیم نداشتی خودت آتش به اختیار عمل میکردی یادته اون منافقی که داشت ادای امام زمان و در می آورد و پیش نماز یه عده از رزمنده ها شده بود؟ همه از روی جهل در حد خدا می پرستیدنش رفتی سر نماز جلوش وایستادی و یک چپ و راست گذاشتی توی گوشش... بهش گفתי اگه تو امام زمانی همین حالا من و تبدیل به یه سوسک کن... حالا خودتون با این کارهایی که میکنین آدم دو به شک میشه... ولی کسی نیست از شما مطالبه گری کنه..

حاج احمد: نه واقعیتش اینه که من از اون روزی که برای آخرین بار دیدمت تا امروز خیلی عوض شدم... شاید نخواستم بگم شاید

برام حکم اعتراف داره... ولی شب درازه و باید بگم... ما زخم خورده همین نگاههای کج و مریض هستیم... سرنماز امون دعا میکردیم که جنگ هیچ وقت تموم نشه یا قبلش شهادت توی میدان نصیب ما بشه... جنگ که تموم شد رفتم واسه لبنان اسم نویسی، کردم به دوره ای هم اونجاها رفتم... بعد جنگ همه اخوی و برادر بودیم تا اینکه بحث درجه دادن و درجه گرفتن شد. اوایل به شوخی میگفتیم درجه مال آبگرم کنه... ولی جدی شد... اونوی که یک کلاس از ما بالاتر بود درجه اش درشت تر شد... اونوی که هیچ کاره بود شد فرمانده... منی که از پای درسو دانشگاه پا شدم رفتم توی میدان شدم معاونش اونوی که یک گلوله هم شلیک نکرده بود به واسطه لیسانس شد، فرمانده منی که دانشگاه آمستردام و نصفه کاره ول کردم و، برگشتم شدم

دیپلمه... اونایی که دوستامون بودن شهید شدن... اونایی که از درجه مقام و مسلک ناراحت بودن کشیدن بیرون از نظام... ما موندیم و فرماندهان غیورمون... یه عده فکر کردن از روی سوزش داریم توی جلسات نظر میدیم ولی نمیدونستن اون سوزش مال دلمونه نه جای دیگه... من قبل انقلاب از ایران رفتم و همیشه خودم و سرزنش میکردم که چرا توی اون رویداد بزرگ تاریخی توی کشور نبودم... ولی خب شاید کسی ندونه ولی خدا که هست... ساواک دنبالم بود و بهترین بهانه برای دستگیر نشدن فرار بود ولی روزی که خرمشهر سقوط کرد دیگه نتونستم طاقت بیارم و بلافاصله برگشتم و مستقیم به عنوان منقضی خدمت ۵۵ رفتم توی یگان و دیگه تا آخر جنگ موندم و خونه نرفتم... بعد گرفتن درجه دیدم دیگه جام توی نظام نیست. نامه استعفام





و نوشتم و تحویل دادم و رد شد... همون آقایون بالادستی گفتن. نع... شما چشم و چراغ مایی کجا میخوای.. ببری گفتم، تنهام اینجام بوی غربت میده... گفتن باید بمونی دوره سازندگیه... مگه از خارج نیومدی که بسازی؟!... خب حالا وقتشه... موندم... ولی توی جلسات تایه نظری میدادم برام گزارش پشت گزارش رد میکردن که این منفی بافه...

۵-۸- انگاره ی نگاه

مادران و پدران شهدا

نمایش "توبت یعنی بعدی" به نویسندگی مرتضی شاه‌کرم دو داستان موازی را روایت می‌کند. یک داستان مضمونی دفاع مقدس و ایثارگری دارد و دیگری قصه‌ای اجتماعی را به نمایش گذاشته است. یکی از داستان‌های این نمایش، روایت مادری است که به دنبال یافتن اهداکننده عضو است تا پسرش بهبود

پیدا کند و داستان دیگر اقتباس و یادی از «لاله ولادن» دو خواهر به هم چسبیده است که در این قصه مشکلات اجتماعی و نگاه‌های نامناسب برخی افراد اجتماع به افرادی که دارای مشکلات جسمانی هستند را بیان می‌کند. در این نمایش خبری از شعار نیست، خبری از بیانیه نیست، خبری از تحت تأثیر قرار دادن تماشاگران به صد حيله ترفند نمایشی نیست، اینجا همه چیز صادقانه است و باورپذیر، از موضوع و بن اندیشه گرفته تا بازی بازیگران، از طراحی لباس گرفته تا طراحی صحنه‌ای که به خوبی نشانگر پامال شدن خون‌ها و به هدر رفتن و کمرنگ شدن ارزش‌هاست. ایده اصلی شکل‌گیری چنین مسئله ای بر می‌گردد به قصه آقا و خانمی که زن برای پسرش دنبال عضو بدن است؛ در ادامه متوجه می‌شویم فرزندش نیازمند

به قلب وسایر اعضا است و در انتهای قصه متوجه می‌شویم درمی‌یابیم که این مادر، مادر شهیدی است که فقط دو تا از استخوان‌های فرزندش را در تفحص برایش آورده‌اند. کارگردان این اثر تلاش کرده تلاش کرده چهره متفاوت تری از مادران شهدا را در نمایش نشان دهد؛ مادری که روایت خاص خودش را دارد؛ مادرانی که نمی‌خواهند حقیقت را قبول کنند. مادرانی که ساعت‌ها سر مزار فرزندانشان می‌نشینند و حرف می‌زنند. این مادر پسرش را زنده می‌داند و با او درد دل می‌کند و شرح زندگی روزانه‌اش را به او می‌دهد.

داستان مادران شهدا یا رزمندگان نیز در تیاتر دفاع مقدس فانتزی‌های خاص خود را دارد. نمایش سرباز شال بلند تصویری متفاوت و قابل توجه است. نمایش «سرباز شال بلند» از علیرضا حنیفی روایت زندگی

مادر یک سرباز است. این سرباز روزی به مادرش زنگ می‌زند و به دلیل سرد بودن هوا از او می‌خواهد تا برایش یک شال گردن ببافد. مادر شروع می‌کند به بافتن شال و بعد متوجه می‌شویم که بیش از ۲۰ سال است که از این تلفن گذشته و نه پسر به مرخصی آمده و یا خبری از او شده است و نه این شال برای او فرستاده شده است. مادر همچنان در تخیلات

خودش دارد این شال را می‌بافد و الان کل ساختمان را شال فراگرفته است. مادر معتقد است که این شال باید آنقدر بلند باشد که علاوه بر پوشاندن پسرش بتواند در اختیار دشمن هم قرار گیرد چون آن‌ها هم سردشان است و باید گرم شوند. در این نمایش شال نماد صلح است و مادر نیز در صحنه‌ای اعتراض می‌کند که چرا به جای کلاه‌خود و ادوات جنگی، شال در اختیار

سربازها قرار نمی‌دهند چون آنها در جبهه سردشان می‌شود و فرقی بین دوست و دشمن نباید گذاشت. در پایان نمایش شاهد بازگشت سرباز به همراه جنازه خودش هستیم اما مفهوم انتظار هنوز به پایان نرسیده و خواهر سرباز که در انتظار دیدن او کور شده است جای مادر را می‌گیرد و نماد یک مادر دیگر می‌شود که در انتظار سربازهای دیگری است که



هنوز به خانه باز نگشته‌اند. بن‌مایه اصلی نمایش مساله انتظار است و اینکه همیشه خانواده‌هایی هستند که در انتظار بازگشت سربازهایشان به سر می‌برند. انگاره‌ی نگاه به آسیب‌های جنگ - آوارگان گفتیم که عواطف جنگ از خاکستر آن سر برآوردند و آنگاه که نگاه‌ها از خود جنگ به سوی مسایل جانبی آن چرخید، موضوعی نظیر زحمت، مرارت و

سرنوشت آوارگان جنگ مورد توجه واقع شد. هرچند توجه به مضامین مربوط به «مهاجرت و مهاجران جنگی» بیشتر از مضمون وابسته به آن یعنی «شرایط اردوگاه آوارگان» بود. دلیل آن نیز شاید به موقعیت نمایشی و دراماتیک این آثار برمی‌گردد. «مهاجرت» معمولا در شرایط پرتنش جنگی اتفاق می‌افتد و همواره درگیری میان موافقان و مخالفان

مهاجرت و جلای وطن وجود دارد که اثر را جذاب کرده و درام را شکل می‌بخشد. اما در آثار معدودی که به مسائل مربوط به «اردوگاه آوارگان» پرداخته‌اند، به دلیل فقدان فاکتورهای دراماتیک لازم، شاهد اثر قابل ملاحظه‌ای نیستیم. در خصوص مورد اول مهاجرت و جلای وطن می‌توان به آثار ذیل اشاره داشت: «نخل و کوسه» نوشته ناصح کامکاری و «گل شیپوری» نوشته محمدرضا



عباسی امجد سالهای ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳ و «یک شب تا صبح» نوشته سعید بهروزی؛ «کوسه» نوشته احمد مرادی؛ «چرخ چوبی بهانه‌گیر» نوشته فرزاد صفدری و «روی صحنه» نوشته حسین مختاری. محصول اواخر دهه‌ی هفتاد و در خصوص مورد دوم اردوگاه آوارگان نمایشنامه «شکسته بخوان» نوشته علی رویین تن قابل ذکر است.

انگاره‌ی حسرت برای بازماندگان جنگ

پایان ناگهانی جنگ برای کسانی که با آن زیسته بودند، موجی از غم و حسرت را همراه با بهت و حیرت به ارمغان آورد. گویی هر چه از جنگ فاصله می‌گرفتیم، جرس قافله‌ی شهدا دورتر می‌شد و به همین سبب دریغ و بازماندن از آن کاروان بیشتر در جان‌ها می‌ریخت. نخستین مضمونی که پس از جنگ در جان آثار دفاع مقدس دوید، حسرت بود.

حسرت بازماندن از کاروان شهدا، حسرت خوردن بر پایان جنگ، توصیف حسرتمند جبهه، حسرت بازگشت دوباره‌ی جنگ، واگویی‌های گذشته و خالی شدن میدان پس از شهدا و واگویی‌های زندگی تکراری نکته‌ی قابل توجه، تفاوت آثار در این بستر، با گونه‌های پیشین است. در گونه‌های پیشین بیشتر سخن از من جمعی و اجتماعی بود، در حالی که در این گرایش مضمونی، ضمیر شخصی میم و من، حضور بیشتری دارد و نویسنده با من فردی خود در پیوند است.

مضمون در بستر حسرت و واگویی نیز ناظر بر چند انگاره‌ی فرعی است

۱. حسرت شهادت

حسرت شایع‌ترین مضمون حسرتمند در هنر دفاع مقدس به حساب می‌آید و نویسندگان خود را به خاطر

واماندگی از این توفیق سرزنش می‌کنند. ۲. حسرت شایستگی شهادت بازماندگان کاروان شهادت در بازخوانی ضمیر خویش به این نتیجه می‌رسند که شایستگی پیوستن را نداشته‌اند و در واقع خود را به بی‌لیاقتی متهم می‌کنند ۳. احساس شرمساری و حقارت شکوه بی‌شک شهادت، پاکبازی و فداکاری رزمندگان، تشییع رشک انگیز شهدا، صحنه‌های تکان‌دهنده جنگ، آمیخته با صداقت و باورمندی نویسندگان، عرق شرم بر پیشانی اثر می‌نشانند که از این همه شکوه و حقیقت بازمانده است.

مضمون پایان جنگ و عدم پذیرش شرایط جدید و همچنین سیر در خاطرات خوش گذشته جنگ را شاید بتوان مضمونی خاص شرایط جنگی کشور ما و رزمندگان

دفاع مقدس دانست. چرا که اساسا جنگ و شرایط جنگی در نگاهی عام، منفور و غیرقابل تحمل است. اما شرایط خاص و روابط و آداب متفاوتی که در ۸ سال جنگ در جبهه‌ها به وجود آمده بود باعث شده بود تا فرهنگی دلنشین و زندگی شیرین، فضای پرتلاطم جنگ را نه تنها قابل تحمل کند بلکه عده زیادی را مجذوب حضور در چنین موقعیتی نماید. به طوری که عده‌ای از رزمندگان حاضر نبودند حتی برای مدت کوتاهی از فضای جبهه دور شده و تن به زندگی شهری بدهند. عده‌ای هم که به ناچار پا به پشت جبهه و شهر خود می‌گذاشتند، دلشان در هوای جبهه می‌تپید.

به چنین مضمونی نیز از سوی نمایشنامه‌نویسان جنگ البته طبیعی و منطقی به نظر می‌رسید هر چند در اکثر آثار خلق شده با این مضمون، نوعی درونگرایی، آرمان‌خواهی و گاه جنگ‌طلبی در شخصیت‌های اصلی به چشم می‌خورد که تنها بوسیله مخاطبانی که با حال و هوای جبهه‌های جنگ آشنا بودند قابل درک بود. این امر البته نوعی ضعف در چنین آثاری به حساب می‌آید چرا که مخاطبان این گونه نمایش‌ها را خاص و محدود می‌کرد. از جمله این آثار به نمایشنامه‌های «بوی خوش جنگ» نوشته عبدالرضا حیاتی، «آواز پر جبرئیل» و «عاشق‌ترین روزگار» نوشته «سعید تشکری»، «آنسوی رویاهای من» نوشته محمدرضا آریانفر» که اکثر این آثار در دوره‌های اولیه جشنواره تئاتر دفاع مقدس ۱۳۷۳ و ۷۴ ارائه شده‌اند

بنابراین کاملا طبیعی بود که شرایط روحی چنین افرادی با پایان جنگ، در هم بریزد و آنان را در حسرت روزهای آفتابی جنگ گرفتار سازد. توجه

اشاره داشت

انگاره‌ی ضد جنگ

عوارض و تبعات منفی جنگ از مضامین پرطرفدار و البته جذاب و به قولی مملو از موقعیت‌های دراماتیک بود که از اولین دوره مسابقه نمایشنامه‌نویسی و جشنواره تئاتر دفاع مقدس مورد توجه قرار گرفت. این رویکرد به دلیل جنبه اعتراض گونه‌اش به رویه منفی جنگ و ایجاد تضاد و تنش مناسب در اثر، شرایط و موقعیت جذاب و دراماتیکی ایجاد می‌کرد که هم مورد توجه نمایشنامه‌نویسان جنگ بود و هم مورد اقبال مخاطبان قرار می‌گرفت. در این خصوص البته توجه و تشویق مسوولان جشنواره و هیات‌های انتخاب در مواجهه با این آثار نیز بی‌تاثیر نبود. به طور مثال توجه غیرقابل تصور نسبت به نمایشنامه «با من مثل دریا» نوشته محمد جواد کاسه‌ساز در اولین دوره جشنواره تئاتر دفاع مقدس

۱۳۷۳ را نمی‌توان در رویکرد سایر نمایشنامه‌نویسان در دوره‌های بعدی به چنین مضمونی بی‌تاثیر دانست. در نمایشنامه «با من مثل دریا» افسانه، همسر امیر، رزمنده‌ای که دچار موج‌گرفتگی شده و گرفتار ذهنیات خود از زمان جنگ است به دلیل مشکلات روحی امیر، ابتدا وی را ترک کرده و در تنهایی رهایش می‌کند، اما پس از گذشت زمانی به صورت فرشته‌ای

سراپا سفید باز می‌گردد و به همراهی با امیر دل می‌بندد. از نمایشنامه‌های دیگری که به چنین مضمونی اشاره داشته‌اند می‌توان موارد ذیل را نام برد: «انتظار با بوی نرگس» نوشته زینت صالح‌پور؛ «مرورید» نوشته عبدالحی شماسی؛ «پیراهن هزار یوسف» نوشته علیرضا حنیفی؛ «اسماعیل خانیان؛ «خدای عشق»

نوشته محمد احمدی؛ «گفتگوی بی‌پایان ستاره با مادرش» نوشته محمد چرمشیر؛ «از علقمه تا خرمشهر» نوشته محمدرضا پشنگیان. روشن است که زبان آثار ضد جنگ، دست کم در دهه‌ی هفتاد چندان تلخ و گزنده نیست، بلکه با شیبی ملایم به سوی انتقاد و اعتراض حرکت می‌کند. درنگ در موضوع





نمایشنامه ای مانند آوانتاژ این موضوع را روشن تر می کند. نمایش «آوانتاژ» به قلم محمد لارتنی و کامران شهلائی در راستای اثر قبلی این کارگردانان یعنی «هفت روز از تیر شصت» است که نمایشی مستند محسوب می شد. این اثر نمایشی نیز وقایعی را از دهه ۶۰ روایت می کند و درباره بمباران ۴ آذرماه سال ۱۳۶۵ در اندیمشک است. این بمباران ۱۰۰

دقیقه‌ای طولانی‌ترین بمباران هوایی بعد از جنگ جهانی دوم و طولانی‌ترین بمباران در ایران لقب گرفته که متأسفانه تعداد زیادی از زنان و کودکان و افراد غیرنظامی در این اتفاق به شهادت رسیدند. «آوانتاژ» روایتی است از آن روزها و افرادی که در این میان شهید شده‌اند. داستان نمایش درباره پسرچهای است که فوتبالیست خوبی بوده و حتی ممکن بوده

که در آینده عضو تیم ملی فوتبال شود اما در این حادثه کشته می شود. اگر او زنده می ماند، می توانست تجربیات زیادی را کسب کند در حالی که مرگ این پسر همه آرزوهایش را تباه کرد. او دیدن بسیاری از اتفاقات تاریخی و ورزشی را از دست می دهد در حالی که حقیقت این نبود و باید زندگی می کرد. در این نمایش این طور تصور شده که اگر این پسر بچه زنده می ماند



زندگی اش چگونه می شد و چه تجربیاتی را از سر می گذراند. درونمایه این نمایش در واقع متکی بر این است که با این اتفاقات آینده از یک سری از آدمها گرفته می شود در حالی که آنها هیچ تقصیری نداشتند و می توانستند زندگی طبیعی را طی کنند. بخش بزرگی از این اثر، مستند است و برای جمع آوری اطلاعات زمان زیادی صرف شده است. قابل توجه این که رویکرد ضد جنگ در آثار هنری انقلاب اسلامی کمتر محل توجه بوده است، اگرچه در هنر تئاتر به علت جنبه عمومی آن کمتر هم به آن پرداخته شده است. در حالی که در داستان ورمان این موضوع نمونه های بیشتری می توان سراغ کرد.

نتیجه گیری

مضامین ادبیات دفاع مقدس برآمده و برخاسته از اندیشه ای است که انقلاب اسلامی را پدید آورده است. بنیان مذهبی انقلاب و رهبری روحانی با عنوان جمهوری اسلامی محتوایی دینی و آیینی را ترویج می کند. این گونه است که از مولفه های ادبیات دفاع مقدس چیزی جز دور زدن در حوالی مضامین دینی و اجتماعی انتظار نمی رود. اما هنر وبه ویژه هنر نمایش زبان خود را دارد. هرچند که هنر و هنرمند حیات خود را از سفارش اجتماع داشته باشند. گرد آمدن مولفه های مضمونی در نمایش های دفاع مقدس ما را به این نتیجه می رساند که هنر اصیل دور از جامعه نیست و همچنان که پایایی خود را از سفارش های اجتماع دارد، به مدد و کمک مردمانش می آید. آنان را در مصایب و مشکلات دلداری و یاری می دهد. اگر برآنان ستمی رفته باشد فریاد می زند. اگر تقاضایی داشته باشند به بیانی اثرگذار مطالبه می کند و اگر خطایی

از مردمش سرزده باشد، گوشزد می کند. خلاصه این که مضامین هنر نمایش در حوزه ی دفاع مقدس اغلب دردمند و درمانگرند. حاصل پژوهش حاضر این که مؤلفه های معنایی ادبیات دفاع مقدس اگرچه فراوانند، هرگز از حوزه ی پیام و منشور خود دفاع مقدس بیرون نیستند این مولفه ها به خوبی بیانگر رفتارهای انسانی و بی ریای ادم های دفاع مقدسند. نگاه متفاوت به مرگ و زندگی چندان که در جبهه ها و انسان های آن حضور داشته است در نمایش های آن نیز تجلی دارد مؤلفه های مضمونی نمایش های دفاع مقدس در ساحت اجرا تلاش می کنند تا هرچه بهتر الگوهای رفتاری دفاع مقدس را معرفی و اجرا کنند مضمون های نمایشی این دوره اگرچه به صراحت دهه ی شصت نیستند، چندان هم به نگاه ضمنی





وتلویحی دهه ی بعد نزدیک نیستند و هنوز از حال و هوای جنگ فاصله ی زیادی نگرفته اند شخصیت پردازی در نمایش های این دوره همچنان محدود و معدود به شهدا و نهایتاً جانبازان جنگ است و افراد معمولی به طور اتفاقی و حاشیه محور در نمایش حضور دارند شهدا و موضوع دینی عاشورا، در کنار اصل مقابله ی خیر و شر از برترین انگاره های معنایی در این نمایش ها به حساب می آیند نویسندگان نمایش های دفاع مقدس بیش از آن که تجربه ی هنری داشته باشند، تجربه ی زیسته با موضوع را دارند و تا حدودی جوانگرایی در میان نویسندگان مشهود است، اگرچه آثار ارزشمندی از باتجربه ها نیز در این میان روی نموده است نمایش های دفاع مقدس هم به حسب

ضرورت زمان و هم به جهت حمایت دستگاہی، از مطرح ترین موضوعات در جامعه تیاتر ایران در این دهه به حساب می آیند

منابع

- اسکویی، مصطفی، (۱۳۷۸)، تاریخ تئاتر ایران، تهران: نشر نگاه

- اسلین مارتین، (۱۳۸۲)، نمایش چیست، مترجم شیرین تعاونی، ج ۴، تهران: نمایش

اعرابی، جواد (۱۳۸۰). «نگاهی به تئاتر جنگ و شکل گیری تئاتر دفاع مقدس»، سایت فارسی بی.بی.سی

-اعلابی، سعید (۱۳۸۰)، «اندوه و سیاهی در تئاتر دفاع مقدس» مجله صحنه، ص ۵۴

- افشاری اصل، ایرج، (۱۳۸۷) جذابیت در تئاتر دفاع مقدس، نت گمشده، تهران: انجمن تئاتر انقلاب - اقسامی، عباس (۱۳۸۷)، «تئاتر دفاع مقدس، عدم تعادل فرم و معنا» مجله ی

صحنه، شماره ۲، ص ۱۶.

- اکبرزاده، تقی (۱۳۸۱)، یک چشم دیگر - گزیده نقدهای نمایشنامه های دفاع مقدس، تهران: انجمن تئاتر انقلاب - امیرخانی، محمدرضا. (۱۳۸۰). دوست ممد. نهران: نشر هنر دفاع

- بابایی ربیعی، محسن (۱۳۷۸)، نت گمشده، تهران: انجمن تئاتر انقلاب - بکرانی، محمد. (۱۳۸۰). زمانه. تهران: هنر دفاع - بیضایی، بهرام (۱۳۸۷)، نمایش در ایران، ج ۴، تهران: سحاب

- پارسی، علی رضا. (۱۳۹۵). تیاتر گیلان. رشت: فرهنگ ایلیا

- توکلی، مسعود (۱۳۸۳)، «آسیب شناسی تئاتر دفاع مقدس» مجله صحنه، شماره ۵، ص - حاج سید جوادی، فتانه (۱۳۸۴)، «خیزش نوین هنر از بطن انقلاب اسلامی»، مجله ص ۶۱ - حامدسقایان، مهدی

(۱۳۹۰). فرهنگ جامع تیاتر دفاع مقدس- دوره ی ۴ جلدی. تهران: فراسخن - حامدسقایان، مهدی ، صدیق، منصوره (۱۳۹۲)، «بازتاب روح زنانه در ادبیات نمایشی دفاع مقدس- مطالعه موردی ۵ نمایشنامه «نشریه زن در فرهنگ و هنر، دوره ی ۵، ش ۴، ص ۴۱۷» (۱۳۷۸)، ریختارهای نمایش ایرانی، تهران: نشر جهاد دانشگاهی

- خانیان، جمشید، (۱۳۸۳)، وضعیت های نمایشی دفاع مقدس، تهران: نشر عابد رهبری، محمدرضا. (۱۳۸۰). آقا موسی. تهران: نشر هنر دفاع - رئیسی، احسان، جعفری امین آبادی، مصطفی (۱۳۹۶)، «بررسی و تحلیل تأثیر تعزیه بر ادبیات نمایشی دفاع مقدس»، نشریه ی ادبیات پایداری کرمان، سال ۹ شماره ۱۰، ص ۱۵۷ - سنگری، محمدرضا. (۱۳۹۲). از نتایج سحر. تهران: سوره مهر - شاهوردی، پژمان. (۱۳۸۰). یک و بیست دقیقه. تهران: نشر هنر دفاع - فدایی ح- غریبی، قاسم (۱۳۸۲)، «بیست و پنج سال تئاتر پس از انقلاب اسلامی» مجله صحنه، ص ۴. سین ، سید حسین (۱۳۸۳)، مجموعه نمایش های دفاع مقدس، تهران: عابد



- فرخی حسین (۱۳۸۷)،
«مروری بر تئاتر دفاع
مقدس در دهه ی ۶۰»،
مجله صحنه، ص ۷۲
- قادری، نصراله، (۱۳۸۶)
«ارزیابی شتابزده بر آسیب
شناسی نمایشنامه های
دفاع مقدس»، مجله
صحنه، شماره ۱۵.
- کاظمی زرد خشویی
، سمیه (۱۳۹۶)، «آسیب
شناسی نمایشنامه های
دفاع مقدس»، مجله

مطالعات علوم سیاسی، دوره
۳، ش ۴، ص ۲۲
- کافی، غلامرضا، (۱۳۹۳).
پژوهش نامه ی ادبیات
انقلاب اسلامی- دوره ی
دوجلدی. تهران: بنیاد
عاشورا.
- مجد، امید (۱۳۹۷)،
«مروری بر تئاتر دفاع
مقدس و تئاتر مقاومت»
مجله ادبیات پایداری کرمان
، سال ۱۰، شماره ۱۹، ص
۲۷۹

- محسنیان، مشهود
(۱۳۸۶)، تئاتر و جنگ،
تهران: سوره ی مهر
- منظومی نیا، فرشاد
(۱۳۸۷)، «ظرفیت نمایش
سنتی ایران در بیان
مضامین دفاع مقدس»،
مجله صحنه، شماره ۶۴ و
۶۵، ص ۳۲
- ناظرزاده کرمانی،
فرهاد (۱۳۶۷)، نمادگرایی
در ادبیات نمایشی، تهران:
برگ، ج ۲



فتنه های مخالفان

فرشاد حسینی

دانشجوی دکتری رشته

اقتصاد

دانشگاه شیراز

ظهور را می توان به مثابه
یک تغییر و تحول بنیادین
در ساختارهای نهادی و
فکری در نظر گرفت. از آنجا
که هر تغییری با هزینه
همراه می باشد، افرادی که
توانایی پرداخت این هزینه

را نداشته باشند یا تغییر
برای آن ها گران تمام می
شود، در برابر آن ایستادگی
می کنند. برای شناخت
مخالفان این تغییر و تحول،
ابتدا شناخت گفتمان واژه
ظهور ضروری به نظر می
رسد.
در دل واژه ظهور شرک
ستیزی، عدالت گستری،
جهان شمول بودن، برتری
مستضعفین و ... نهفته است.

ظهور یک حرکت از شرک
به سمت توحید می باشد.
ظهور به معنای دسترسی
عدالانه همه انسان ها به
منابع خدادادی می باشد.
ظهور پایان زورگویی و
اریاب محوری را نوید می
دهد. به صورت کلی ظهور
چارچوب های فکری و
رفتاری غلطی را که بشر
در طول سالیان دراز به آن
عادت کرده و خو گرفته





را تخریب کرده و چارچوب های جدید را جایگزین می کند. به میزانی که بشر چسبندگی بیشتری نسبت به این چارچوب های غلط از خود نشان دهد، مقاومت و ایستادگی آن برای پذیرش تغییر و تحول ناشی از ظهور نیز بیشتر است. با این اوصاف دو گروه را به صورت کلی می توان از مخالفان ظهور دانست. گروه اول مستکبرینی هستند که دارای ایدئولوژی های متضاد با ظهور می باشند. گروه دوم افراد همسو با گفتمان ظهور می باشند که به دلیل عادت به چارچوب های غلط فکری و رفتاری، پذیرش تغییر برای آن ها سخت می باشد. از آنجا که تغییر حاصل از ظهور برای هر دو گروه هزینه به همراه دارد، هر دو گروه به صورت آشکار یا ضمنی، خواسته یا ناخواسته به مقابله با ظهور می پردازند. در ادامه به

ویژگی هر دو گروه که در منابع دینی و تاریخی به آن اشاره شده است پرداخته می شود. گروه اول: گروه اول شامل منافقان و کافران می شوند. منافقان افرادی هستند که با وجود باطن مخالف، تظاهر به همسویی با یک جریان کرده و به داخل آن نفوذ می کنند. کفار نیز که ادعای سرکردگی مردم جهان را داشته و نهضت آزادی بخش مهدی را مانع منافع ناروای خود می بینند در برابر حضرت صف آرای می کنند. هر دو گروه دارای مکتب فکری متضاد با گفتمان ظهور می باشند با این تفاوت که یکی پنهانی ضدیت خود را دنبال می کند و دیگری آشکارا در پی مقاصد خود می باشد. قرآن به عنوان کتاب جامع و کامل بشریت ویژگی و ابزارهای مورد استفاده ی این گروه در راستای مقاصد خود را به صورت کلی بیان کرده است. از جمله این

ابزارها می توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱_ ترور: ترور یکی از ابزارهای کفار و ستمگران در طول تاریخ برای پیش برد اهداف خود بوده است. ترور به دو شکل فیزیکی و غیر فیزیکی مطرح می باشد. ترور غیر فیزیکی معمولاً با ترور شخصیت بیان می شود ولی به طور کلی مفهوم آن تلاش برای ایجاد نگرش و ذهنیت منفی نسبت به یک فرد یا موضوع می باشد. هدف از این رفتار، تسخیر افکار عمومی و تغییر نگرش و رفتار مخاطبان است. این مسئله در رابطه با ظهور نیز می تواند شکل بگیرد طوری که دشمنان با استفاده از ابزارهای در دسترس نظیر قدرت رسانه ای و تبلیغات در صدد ایجاد نگرش منفی نسبت به گفتمان ظهور باشند. ۲_ ایجاد جنگ روانی: جنگ روانی معمولاً با شایعه سازی و شایعه پراکنی همراه می باشد و مخاطب عمده

آن، افراد زود باور می باشد. عموم مردم خیلی زود آنچه را که می شنوند، باور و بدون بررسی به دیگران انتقال می دهند. دشمنان از این نقطه ضعف استفاده کرده و با شایعه سازی، سعی در تغییر افکار جامعه و بدبین نمودن آنها نموده و گاهی چنان در این امر موفق می شوند که مسائل روشن را نیز با شایعه پراکنی بر مردم مشتبه می نمایند. ۳_ القای یاس: القای یاس معمولاً با اغراق در توان و قدرت کفار و ضعیف نشان دادن توانایی های مسلمانان همراه بوده است. این اغراق می تواند علاوه بر توانایی های نظامی در توانایی های گفتمانی نیز برقرار باشد. بدین معنا که گفتمان حاکم بر ستمگران در مقابل گفتمان ظهور قرار گرفته و با ایجاد شبهه در گفتمان ظهور، ایجاد یاس نسبت به این گفتمان در دل مخاطبان دنبال شود ۴_ استهزاء: استهزاء،

تمسخر، عیب جویی و ... نیز مانند روش های فوق در راستای تضعیف معنای موضوع مورد نظر دنبال می شود. منافقین با در دسترس داشتن ابزارهای تبلیغاتی همواره در طول تاریخ از این روش استفاده می کرده اند طوری که آیات قابل توجهی در قرآن کریم به این موضوع پرداخته است ۵_ تفرقه افکنی: وجود اتحاد در بین انسان ها بقدری اهمیت دارد که خداوند تمام ادیان الهی را دعوت به وحدت حول لا اله الا الله می کند. در روایات یکی از شرایط ظهور اجماع قلوب عنوان شده است که بدون آن ظهور محقق نمی شود. منافقان و کفار که این مهم را درک کرده بودند، در طول تاریخ همواره از این روش جهت برهم زدن اتحاد مسلمین استفاده می کرده اند که معروف ترین مصداق آن را شاید بتوان مسجد ضرار دانست. روش های فوق از جمله

ابزاری است که منافقان و کفار در طول تاریخ در جهت مقابله با حق از آن استفاده می کرده اند. قرآن با بیان مصادیق موارد فوق، این روش ها را برای مسلمانان به صورت کلی تشریح کرده است. شناخت این ابزارها و پرداختن به جزئیات این روش ها، می تواند در خنثی سازی اهداف مستکبرین در راستای مقابله با امر ظهور موثر واقع شود. چراکه ظهور امام زمان (عج) مبتنی بر خواست جمعی بشر می باشد و تا زمانی که یک اجماع قلوب در این راستا شکل نگیرد، ظهور نیز محقق نمی گردد. گروه دوم: گروه دوم شامل راحت طلبان و جمود اندیشان می باشد. راحت طلبان افرادی هستند که رفاه فردی خود را مقدم بر سایر امور می دانند. بنابراین درخواست آن ها از دین تا جایی شکل می گیرد که در تضاد با رفاه آن ها نباشد. انتظار از نگاه این



افراد تنها در دعا و... خلاصه می شود و توجهی به مبارزه با ستمگران ندارند. عادت به راحت طلبی در نهایت سبب می گردد در برابر تغییر حاصل از ظهور مقاومت کنند. جمود اندیشان شامل افرادی می شوند که نگاه ظاهربین دارند. این افراد توجهشان به قالب و پوسته دین بوده و به باطن و روح و هدف دین توجهی نمی کنند. کوتاه بینی و

محدودیت درک این افراد نسبت به دین سبب گشته در زمان های حساس تکلیف را نشناسند تا جایی که به مقابله با امام زمان خویش پردازند. در جریان نزول آیه روزه و نماز مسافر، پیامبر در سفر دستور افطار دادند و خود روزه گشودند ولی گروهی که به خیال مقدس مآبانه خود هر سختی ثواب دارد به روزه ادامه دادند. نمونه این افراد را در گروه خوارج

و جنگ نهروان می توان مشاهده کرد. در روایتی از کتاب زندگانی حسن بن علی(ع) به مذاکره عبدالله بن خباب با خوارج می پردازد: چون «عبدالله» به اردوگاه خوارج رسید، گفتند: - تو کیستی؟ - مرد مؤمنی هستم. - درباره علی بن ابی طالب چه میگوئی؟ - او امیر المؤمنین است و نخستین کسی است که



فتنه ای پدید می آید که دل مردم همچون بدنشان میمیرد، دیروز را ایمان دارند و فردا کافر میشوند. - ما اینطور حدیث از تو خواستیم؟ بخدا قسم چنان تو را بکشیم که تا کنون کسی را نکشته باشیم. آنگاه شانه های او را بستند و زنش را هم که حامله و نزدیک وقت زایمانش بود، گرفتند و هر دو را زیر درخت خرمائی نگهداشتند در این وقت، خرمائی از

برسول خدا ایمان آورد - اسم تو چیست؟ - عبد الله بن خباب بن ارت صحابی پیغمبر. - آیا از مامی ترسی؟ - بلی. - خطری برای تو نیست، حدیثی از پدرت بگویی که از پیغمبر شنیده باشد، شاید خداوند سودی از آن بماند. - پدرم از پیغمبر روایت می کند که آن حضرت فرمود: پس از مرگ من

درخت افتاد یکی از خوارج آن را برداشت و در دهان گذاشت، دیگران با خشونت گفتند آیا مال حرام را میخوری؟ آن مرد خرما را از دهان انداخت. چند تن از خوارج شمشیر او را برداشتند و خوکی را که متعلق به یک نفر از اهل ذمه بود کشتند و بعد آن را بفال بد گرفتند و گفتند در اینجا فسادی برپا خواهد شد، آن مرد به نزد صاحب خوک رفت و او را، راضی کرد. عبد الله که این



بازیه‌های مسخره را از آنها دید، به آنها گفت: اگر در این کارهائی که می‌کنید واقعا راستگو و معتقد هستید و حتی حاضر نمی‌شوید یک دانه خرمای بزمین افتاده را بخورید، چرا می‌خواهید من را بکشید؟

بخدا قسم، من در اسلام بدعتی نگذاشته‌ام، من مؤمن هستم و شما بمن امان دادید و گفتید از ما ترسی نداشته باش، ولی آنها باین حرفها گوش ندادند، او را آوردند و در کنار نهر آب خواباندند و خوک مرده را برویش انداختند و بعد سر آن صحابی بزرگ را بریدند و بعد به پیش زنش آمدند که بیچاره از ترس تمام اندامش می‌لرزید و شبخ مرگ را در برابرش میدید که بر سرش سایه انداخته است و به جسد بیجان شوهرش نگاه میکرد که بر زمین افتاده است. این همسر بهت زده با استرحام و زاری می‌گفت: آخر من زن هستم آیا از

خدا نمی‌ترسید؟ ولی آنها به تضرع آن زن بی‌گناه و بی‌دفاع توجه نکردند و مثل کلاغها بر سرش تاختند و او را کشتند و شکمش را پاره کردند.

تحجر و شکل‌گیری چارچوب‌های دینی غلط در این گروه در نهایت به جایی رسید که در مقابل حضرت علی(ع) شمشیر کشیده و مسیر مبارزه با دشمنان اسلام را منحرف کردند.

با ساده‌اندیشی خود مسیر حاکمیت را تغییر داده و ناهالان را به سردمداری خود برگزیدند. در نهایت نیز خود معترض رفتارهای غلط خود شدند! این جریان همواره در طول تاریخ وجود داشته و وجود دارند و نگاه متحجرانه و کوتاه بین آنها در نهایت سبب می‌گردد در مقابل تغییر حاصل از ظهور نیز مقاومت کنند.

همانطور که قبلاً ذکر شد، هر دو گروه با توجه به چارچوب‌های فکری،

امر ظهور را در تضاد با منافع خود می‌دانند. از این رو خواسته یا ناخواسته به دنبال تحریف و تعویق این امر می‌باشند. بنابراین شناخت مخالفان ظهور و روش‌های مقابله آنها با امر ظهور در راستای مصون ماندن از فتنه‌های آخرالزمانی ضروری به نظر می‌رسد.

این موضوع را شاید بتوان با عنوان دشمن‌شناسی مطرح کرد. دشمن‌شناسی یکی از ضروریات هر مکتب می‌باشد که در منابع دینی نیز به وفور به آن اشاره و تاکید شده است. دشمن‌شناسی جزء فطریات انسان و از نهادهای خلقی در هر موجود زنده می‌باشد که خداوند آنها در نباتات و حیوانات به صورت غریزی قرار داده است ولی همین امر در انسان از آن جهت که دارای فکر و رفتاری ارادی، و صاحب اختیار می‌باشد، مانند سایر مقولات رفتاری در زندگی بشر، "تعلیمی"

خواهد بود، زیرا که دشمن آدمی دارای یک خصیصه ثابت و ذاتی نمی‌باشد و صرفاً با دستیابی به اهداف و مقاصد پیدا و پنهان اوست که میتواند دشمن را شناخت و نسبت به مقابله و دفع تهاجم آن

قدم برداشت، و این ضرورتی است انکار ناپذیر که از بدیهی‌ترین و قدیمی‌ترین تعالیم دینی جهت مؤمنین به ویژه در جمهوری اسلامی است تا با شناخت دشمن و اهداف آنها بتوانیم بر اساس آن در ایجاد آمادگی و دفاع

از خویش اقدام نمائیم.

جمع بندی

ظهور را می‌توان یک تغییر و انتقال از چارچوب‌های رفتاری، فکری و ... غلط به سمت چارچوب‌های صحیح در نظر گرفت. از آن جا که هر تغییر با هزینه





همراه است، جریانی که از قبل این تغییر هزینه زیادی را متحمل می شوند، از جمله مخالفان ظهور می باشند. برای شناخت بهتر مخالفان ظهور، ابتدا آشنایی با گفتمان ظهور ضروری به نظر می رسد. ظهور به معنای شرک ستیزی، عدالت گستری، جهان شمول بودن، برتری مستضعفین و ... می باشد. ظهور یعنی حرکت از شرک به سمت توحید. ظهور به همراه خود دسترسی عادلانه همه انسان ها به منابع خدادادی را دارا می باشد. ظهور پایان زورگویی و ارباب محوری را نوید می دهد. به صورت کلی ظهور چارچوب های فکری و رفتاری غلطی را که بشر در طول سالیان دراز به آن عادت کرده و خو گرفته را تخریب کرده و چارچوب های جدید را جایگزین می کند. به صورت کلی دو گروه را می توان از مخالفان ظهور برشمرد.

گروهی که با مفاهیم ظهور ضدیت دارند و گروهی که هرچند در ابتدا موافق مسیر ظهور می باشند ولی با توجه به عادت به چارچوب های غلط قبل از ظهور، تغییر حاصل از ظهور را نمی توانند بپذیرند. با توجه به منابع دینی، ابزارهای مورد استفاده گروه اول در طول تاریخ، جهت مخالفت و ضدیت با مبانی مبتنی بر حقیقت، ترور، ایجاد یاس، تفرقه افکنی، تمسخر و ... بوده است. در واقع این گروه از ابزار فوق در راستای ایجاد نگرش منفی نسبت به موضوع مورد نظر تلاش می کرده اند. همچنین گروه دوم نیز با استفاده از روحیه راحت طلبی، ساده اندیشی، جمود فکری و ... همواره در طول تاریخ برای مسیر حق ایجاد هزینه می کرده اند. با توجه به اینکه مسیر تاریخ همواره تکرار می شود و ضرورت عبرت از تاریخ بر

کسی پوشیده نیست، گروه های فوق را می توان به عنوان موانع پیش روی امر ظهور متصور شد. بنابراین شناخت روش ها و ابزارهای مورد استفاده این گروه ها در راستای مصونیت از فتنه های این گروه ها ضروری به نظر می رسد.

منابع:

حامدی، محمد مهدی. (۱۳۸۷). دشمنان مهدویت چرا و چگونه، قم، آئین احمد(ص).
 صیادی، سمیه. محسنی، طاهره. (۱۳۹۹). روش های تبلیغی کفار و منافقان در قرآن، تفسیر پژوهی، ۱۳(۷). ۱۳۵-۱۶۰.
 فصلنامه حوزه. (۱۳۷۴). شماره ۷۰ و ۷۱. باقر شریف، قرشی. (۱۳۵۲). زندگانی حسن بن علی(ع)، ترجمه فخرالدین حجازی، تهران، انتشارات بعثت.

[/https://hawzah.net](https://hawzah.net)

[/http://panahian.ir](http://panahian.ir)

[/https://fa.wikifeqh.ir](https://fa.wikifeqh.ir)

ذکر جمکرانی من

زلیخا بنی ایمان

فارغ التحصیل نمایش

دکتری رشته تئاتر

دانشگاه آزاد واحد شیراز

ای ذکرِ جمکرانی من
 چشم هایم دردِ دیدن
 دارد،
 به هر طرف نگاهی دارد،
 سوی چشمانم مانند
 زلیخا رفت،

تصمیم آمدن نداری؟

بیا

بیای نازنین

که چشم ها کم سو

شد،

بی سو شد،

تاریک شد،

آنقدر نیامدی

که بادهایی جهت وزید،

چشم ها بی جهت

چرخید،

آسمان از بارش دست

کشید،

زمین از رویش یائسه

شدا

چشمانم مانند چشم

زلیخا شد، اما نیامدی

با چشم بسته،

عطر گل های نرگس

دیوانه ام کرد و نیامدی ..

نیازِ نامت در ندبه های

جمعه

همچنان تکرار می شود

یا مهدی ادرکنی..





مشکل دارم	و قول دادی	فرامی رسد؟
یا مهدی ادر کنی...	که خواهی آمد	خواهی آمد
دردمندم	باران خواهی آورد	از تاریخ جهان برایمان
من	صلح خواهی آورد	خواهی گفت
تمام بدنم می سوزد،	دوستی را تا کرانه	مشتاق تو
گر گرفته ام	های اقیانوس آرام بشریت	کفش آهنین پوشیدم
درد خانه کرده در روحم	گسترش خواهی داد!	راه افتادم در جاده ی بلند
در تمام بدنم	تو خواهی گفت	نیامدن
یا امام زمانم..	از دل زهرا برای ما	جمعه کم بود،
از چه بگویم؟	خواهی گفت	کل روزها جمکران را در
توغریبی	از تاریخ نیامدن هات	نظر دارم،
نشکیدی	زمان به پایان رسید	من فقط جمعه انتظارت
من می دانم که غریبی!	پس کی	نمی کشم که!
تو به خوابم آمدی	پس کی زمان ملاقات	هر ثانیه ام با ذکر نام





توست

زمان به زمان امام زمانم
زیر لب یا صاحب زمانم
کفشی پا کرده ام که
راهها بیایم،
راهم طولانی تر شد
باز از زبانم نیفتاد!
یا امام
یا تمام
یا نهایت زمین
امام زمان و زمین
امشب حال و هوای
جمکران دارم،
بوی عطر نرگس دارم.
کفشی پا کردم تا
آخرش با تو سفر کنم
با ذکر نام تو
زخم پایم هم مُشرف
می شود
من شاعر نیستم برایت
شعری بگویم
دلنوشته ای تقدیم تو باد
ای از نسل بزرگان!
من شاعر نیستم
شاعری هم بلد نیستم
فقط این که
یا امام زمانم بگویم
دوستت دارم،
کم گفتم قربانت بروم؟

جای نرگس نیستم

اما اندازه ی نرگس که
دوستت دارم
نرگس...
نرجس خاتون جهانی
یا مهدی ادرکنی
یا صاحب زمان
دنیای من باش
هستی من باش
یا امام زمان
نه من تنها دوستت دارم
که همه ی جهان
دوستت دارند
بیا امام زمانم
هر شب خوابت را دیدم،
حاجت روا شدم
بیا امام زمانم
که ناز تو را خریدارم
بیا امام قشنگم
بیا امام
بیا خانه ی من
تا با چای داغ مهمانت
کنم
نه نه، با گریه مهمانت
کنم،
تو در کجای جهان
ایستاده ای
که حتی دست آسمان
به دامنت نمی رسد؟

بیابیا

تا با شربت بهشت
مهمانت کنم
تا از درد هایم بگویم
بیا و خانه ی ما را
نورانی کن،
فضای عاشقی خانه ام را
دستم را بگیر یا امام
زمان
که درد دارم
گریه دارم
دیگر در چاه یوسفم
بیا دستم را بگیر
از چاه بیرونم بیار
بیا تاج سر خواهر
بیا برایم برادری کن
بیا به حقم پدری کن
بیا امام زمانم بیا پدرم
باش!
امام قشنگم بیا
که زندگی دست توست
بیا که زندگیم خیر و
برکت ببیند
بیا که این مُهر رفتن
مردی از جنس تو به نامم
نخورد،
بیا که
امام قشنگم!

تیغ و دریغ (به بهانه ی سوم خرداد)

دکتر غلامرضا کافی

عضو هیئت علمی رشته

زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه شیراز

امشب دوباره مشق
هذیان می نویسم
نظمی پریشان در پریشان
می نویسم
نبض شکارم اضطراب
آلود رنگم
پرواز را وامانده ی لختی
درنگم
خواب از نفس دزدیده ام
در شیون امشب
گل می کند بوی کبوتر
در من امشب
خواب از نفس دزدیده ام
هذیانی ام من
موج کبوتر می زند
طوفانی ام من
خون گریه ای دارم اگر
غم ناله ات هست
آتش نفس اندوه چندین
ساله ات هست

اندوه مردانی که پیش از
من گذشتند
داغ عزیزانی که دیگر
برنگشتند
آنان که با هُرم نفس
خواندند و رفتند
صحرای آتش را فَرَس
راندند و رفتند
آنان که عِنْد رَهِم را
بُرزقونند
در قهقهه مستانه اما غرق
خو نند
خیلی که ره بر تیغ و بر
طوفان گرفتند
بالاترین مُزد جهاد آنان
گرفتند
خیلی که سمت جاده را
بر آسمان دید
پرواز را یک ردّ خون تا
بی کران دید
مهمیز بر نفس چموش
خویش کوبید
شلاق ها بر عقلِ مرگ
اندیش کوبید
آنان که در خون خلسه
ی دیدارشان بود

مفهوم ابن الوقت در
پیکارشان یود
آنان که نیت در نماز
خون شکستند
قامت به شَفَع و وَتَر در
تلواسه بستند
بستند روز مرگ و خون
سجاده ها را
رهوار زین کردند تاب
جاده ها را
پل شد نفس هاشان
که از آتش گذشتند
بر گشت بخت ما، ولیکن
بر نگشتند!
ماندیم و خواندیم و دعا
کردیم، اما...
بیش از دعایمان، ادعا
کردیم اما
دیوار شد کم کم غبارِ
خستگی ها
دل بستگی، دل بستگی،
دل بستگی ها
هر پنج نوبت سعی
ایمان شد فراموش
هر غصه ای غیر از غم نان
شد فراموش!





«این فصل را با من بخوان، باقی فسانه است این فصل را بسیار خواندم، عاشقانه است»	کبکِ دری بودیم و سر در برف ماندیم امروز و سعی خورد و خواب و قوت، افسوس! آن روز های لاله و تابوت، افسوس! این درد را درمان نمی بینم، برادر! این شعر را پایان نمی بینم برادر!	واماندگی از شورِ سر، دستار واگرد شوقِ حَضَر از ساق، پای افزار وا کرد ماندیم و زرق و برق را در چشم کردیم چون سُرمه میل زرق را در چشم کردیم معنا نجنبیدیم و بندِ حرف ماندیم
--	---	--



احمد رفیعی وردنجانی
دانشجوی کارشناسی
مدیریت
دانشگاه علمی کاربردی

«صلی الله علیک یا ربیع
 الانام»
 هلاقرار جهان بی قرار
 دلتنگیم
 در این جهان پر از انتظار
 دلتنگیم
 اگر چه رفت زمستان،
 نیامده ست بهار

مجموعه اشعار

شمار دلتنگیم شبهه آینه هستیم حضرت خورشید به دامن برس از این غبار دلتنگیم	برای آمدنت ای بهار دلتنگیم بیا که پر شود از عطر گل تمام جهان بیا که خاک شود لاله زار، دلتنگیم سلام حضرت باران به خشکسالی ما ترحمی کن و قدری ببار دلتنگیم چقدرها همه لبریز از شماره شدند بیا بیا که همه بی
کجایی ای همه ی زندگی بیا آقا بیا که سخت از این مرگ زار دلتنگیم از این غمی که نشسته به جانمان پیداست برای دیدن لبخند یار	



«شهید جمهور»

غم خوار هر اندوه خلق الله هم بود	بر درد ما مانند بعضی ها نخندید از غصه ی ما در دلش همواره غم بود	در این حرم خدمت گزاری محترم بود از خادمان سینه چاک این حرم بود
عرض تلاش او به پهنای وطن بود هر چند طول فرصتش بسیار کم بود	دل بسته ی دستور و فرمایش نمی ماند هر جا که مشکل بود خود صاحب قدم بود	در همت و عزمی که بودش بهر خدمت از بهر این کشور وجودش مغتنم بود
آخر به یاران شهید خویش پیوست او که تمام هستی اش از این رقم بود	رهبرش بود تنها نه سرباز غیور این رقم بود	





«فتح نهایی»

عاقبت فتحِ نهایی آن
ملت می شود
سهم دشمن بازهم اوج
مذلت می شود

خوش به حال هر که
راه وصل را پیدا کند
خوش به حال هر که
سهم او شهادت می شود

وعده ی حق است این
ظلمت نمی ماند به جا
قدس از زندان اسراییل

راحت می شود

کی بماند آه مظلومان
عالم بی اثر؟
کی فراموش اینهمه ظلم
و جنایت می شود

سرنوشت آنکه تندی
کرده با ایران ما
بهر دیگر دشمنان هم
درس عبرت می شود

نوبتِ ایجادِ دنیایِ
فلسطین می شود
دوره ی پایانِ ظلم و جور و

نکبت می شود

کاش برگردد به راه دوستی
با انقلاب
آنکه حالا دارد از جایی
هدایت می شود

کشور ایمان و عزت
صاحبی دارد که زود
جمع با لطفش بساط
هر شرارت می شود

حضرت صاحب زمان
می آید و تدبیرِ عشق
بر تمام پهنه ی عالم
مسلط می شود



مهدی می آید

زهره شکاری فارغ التحصیل کارشناسی رشته کشاورزی دانشگاه شیراز

تاذوالفقار در دست‌هایش
جا شود آن روز
آری زمین هم گنج‌هایش
را رها سازد

زیر قدم‌های عزیز فاطمه
آن روز
تنها کسی که بهر سکه
دست آرد پیش

پرز پشیمانی و خجالت
می‌شود آن روز
زهرا و حیدر را به چشم
خویش خواهد دید

آن کس که چشمانش به
رویت وا شود آن روز
ما همچو پروانه به دور
عارضش چرخیم

دستان مولا بسته و سر
خم نخواهد شد
دیگر برای یک زر ناچیز
و ناقابل

دنیا پر از عطر حضورت
می‌شود آن روز
چشمان نابینای یعقوب
تو هم جانا

بحر قدم‌های تو
بینامی‌شود آن روز
دنیای بی جنگ و فریب
و درد هم جانا

تحت قدم‌های تو معنا
می‌شود آن روز
طفالان بی دست و سر و
چشم فلسطینی

در گورهاشان شاد و خرم
می‌شوند آن روز
ظلمی نمی‌ماند جهان
یکسر عدالت هست



گوشی چنین زخمی و
پاره در بر اعدا نخواهد شد
آری دگر طفلی به روی
دست باب خود

پرپر، پر از خون و بدون
سر نخواهد شد
زان پس دگر مردی برای
سفره خالی

خجالت زده، شرم‌منده و سر
خم نخواهد شد
از بهر قتل صبر اربابم ته
گودال

صبر از برای انتقام
سربریده صحرا نخواهد شد

داستان کوتاه

هما ایران پور

نویسنده، مدرس، شاعر،

طنزپرداز، منتقد، داور

جشنواره‌های ادبی،

صاحب نزدیک به سی

عنوان کتاب

دزد

پرستار بالاخره موفق شد دفتر خونی و پاره پاره کودک را که با دندان و لب‌هایش محکم نگه داشته بود جدا کند. توی اولین صفحه بزرگ نوشته شده بود «امشب شب آرزوهاست. آرزو

می‌کنم بسکتبالیست بزرگی شوم». پرستار به دست‌های قطع شده کودک خیره شد.

بی آرزو

خبرنگار خارجی عروسکی به دست دخترک زخمی جنگ که تنها بازمانده خانواده‌اش بود داد و پرسید: «چه آرزویی داری تا برآورده بشه»

«منو بفرستین پیش خواهر برادر و مامان و بابام»

امید

خبرنگار خارجی از دخترک اواره زخمی پرسید «چه آرزویی داری» «آرزو می‌کنم به خونه برگردم و کفش‌هام که از پاهام بزرگ بودن اندازه ام شده باشن».

آرزو

خبرنگار بین‌المللی از پسرک ستری مجروح جنگ پرسید:

«چه آرزویی داری»

پسرک به جای خالی پایش نگاه کرد و گفت:

«فوتبالست‌بشم»



نامه به رهبری از طرف کودک فلسطینی

مجتبی عزیزی

دانشجوی دکتری رشته

تاریخ اسلامی

دانشگاه شیراز

من اگر کودک فلسطینی بودم یک نامه به رهبر مقاومت جهان می‌نوشتم:

بسم الله قاصم الجبارین

« و از تعقیب دشمن سست نشوید (چه اینکه)

اگر شما درد و رنج می‌بینید آنها نیز همانند شما درد و

رنج می‌بینند، ولی شما امیدی از خدا دارید که آنها

ندارند و خداوند دانا و حکیم است. سوره نساء آیه ۱۰۴»

از: کودک مظلوم و امیدوار فلسطینی

به: رهبر مقاومت جهان، آیت‌الله خامنه‌ای عزیز

سلام بر شما و بر اهالی با غیرت و حامی کشور

مظلوم فلسطین!

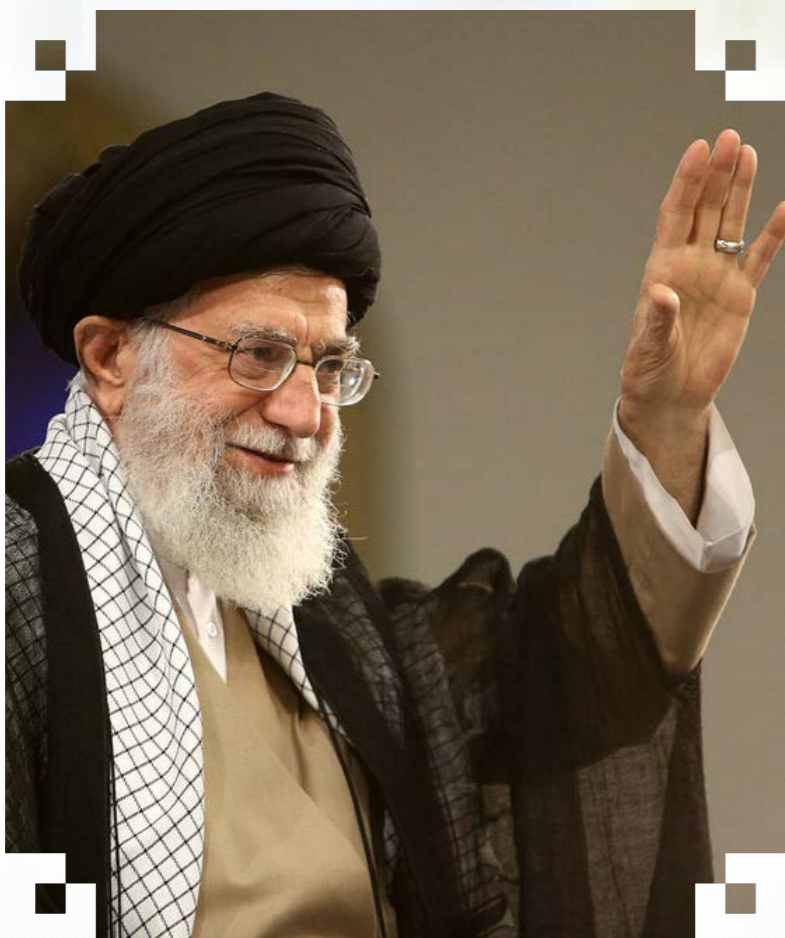
من، یک کودک

فلسطینی، از اعماق قلبم به شما پیام می‌فرستم، با امید به رسیدن به آرامش و صلحی که از طول عمرمان محروم شده‌ایم. امروز، زندگی ما پر از چالش‌ها و مشکلات است، اما همچنان امیدوار به فردایی بهتر هستیم.

ما، کودکان فلسطینی، با دل‌هایی پر از آرزوی

صلح و عدالت، با خشمی آرام ولی پر قدرت، در مقابل ستم و ظلم ایستاده‌ایم. ما همانطور که از دوران کودکی با صدای شلیک گلوله‌ها آشنا شدیم، همچنان به امید و ایمان به پایانی شاد و آرامش‌بخش پایان می‌دهیم.

من، به عنوان یک کودک فلسطینی، باور دارم که شما،





به عنوان رهبر مقاومت جهان، همواره در کنار ما هستید و صدای ما را به دنیا می‌رسانید. شما امید مظلومان غزه هستید زمانی که همه برادرانمان چون برادران حضرت یوسف تنهایمان گذاشتند اما شما وعده صادق به ما دادید و به سپاه حیدریون فرمودید: «تورا است معجزه در کف ز ساحران مهراس عصا بیفکن و از بیم اژدها مگریز»

و ما و جهان دیدیم آن ابابیل‌هایی که از چنگال ده‌ها سپاه ابرهه گذشتند و طلیعه پیروزی و نظم نوین جهانی را با یقین و آرامش در قلب ما کودکان فلسطینی ثبت کردند؛ زیرا که یک شب آرامش را به پلک‌های ما آورد و زندگی‌امان را با نور عدالت و امنیت روشن کرد. ای رهبر مقاومت جهان قلب کوچک و پر درد ما از سقوط بالگرد و شهادت



مردان دلیر مقاومت بسیار تپید و امیدمان نزدیک سقوط پیش رفت ولی ایمان داریم که شهیدان زنده‌اند و راه آن‌ها ادامه دارد و به قول نفیس شما هیچ خللی در مسیر مقاومت پیش نخواهد آمد و ما را از دلواپسی و نگرانی بیرون آوردید. ای رهبر عزیز مقاومت، دل و فکر ما منتظر وعده اصلی شماست یعنی نابودی اسرائیل غاصب که ۲۵ سال آینده را نخواهد دید. اما آن روز دوست ندارم پلک‌هایم بسته باشد بلکه دوست دارم پلک‌هایم باز باشد و به تمام دنیا بگویم این وعده رهبر مقاومت جهان بود که گفت و عملی شد. با امید به آینده‌ای زیبا که برای ما کودکان فلسطینی خواهد آمد و مالک سرزمین زیبایمان خواهیم شد و این غده سرطانی دیگر ریشه کن شده است.

[نام: کودک فلسطینی]



سفرنامه

فاطمه سعادت خواه دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یاسوج

«سَلَامٌ عَلَیْ اِبْرَاهِیْمَ
كَذٰلِكَ نَجْزِی الْمُحْسِنِیْنَ
اِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِیْنَ»
(صافات ۱۰۹ - ۱۱۱)
نمی‌دانم چرا من، تا
الان، خبرهای شهادت را

زمانی میشنوم که هنوز
حتی از خواب بیدار نشده‌ام
و ویندوزم بالا نیامده است.
دهم بودم. امتحان
ریاضی داشتیم. جمعه، روز
قبل امتحان، با صدای
مامان از خواب پریدم:
«تو هنی خویی؟ قاسم
سلیمانی ن کشتن...!»
اتو هنوز خوابی؟ قاسم

سلیمانی رو کشتن!
و از شدت گریه دیگر
نتوانست حرف بزند...
ساعت دقیقاً هشت صبح
جمعه بود. تا نه، بکوب
گریه کردم. انگار یتیم
شده باشم گوله گوله اشک
می‌ریختم!
روسری مشکی ام را در
آوردم. چادرم را سرم کردم و



رفتم کلاس تقویتی ریاضی. سر کلاس، حواسم به درس نبود. انگار تانژانت کتانژانت هم برایم گریه داشت. بچه‌هایی که حاج قاسم را نمی‌شناختند و می‌گفتند: «حالا مگه کی بوده که اینجوری همه ناراحتن؟» گریه داشت. همه چیز امتحان ریاضی گذشت. سیزده دی نود و نه گذشت. هنوز آن نیمه‌شب رنج شنبه از ما نگذشته...

دیروز با بچه‌های نهاد رهبری دانشگاه، آماده می‌شدیم برای جشن میلاد امام رضا (ع) که یکی از دخترها خبر را خواند. می‌گفتم این شاءالله به خیر می‌گذره... شب شد. کل هم اتاقی‌هایم نگران بودند. نسبتاً ریلکس تر بودم. آدمی‌زاد مگر غیر از توکل، کار دیگری اصلاً از دستش بر می‌آید؟ صبح، با صدای باز شدن در اتاق بیدار شدم. دقیقاً

هشت صبح بود. دقیقاً همان روز میان‌ترم داشتیم. آرزو آمده بود داخل که یکی از بچه‌ها پرسید: «زنده موند؟» آرزو: نه... همشون شهید شدن... سه نفرشون هنوز جنازه پیدا نشده...

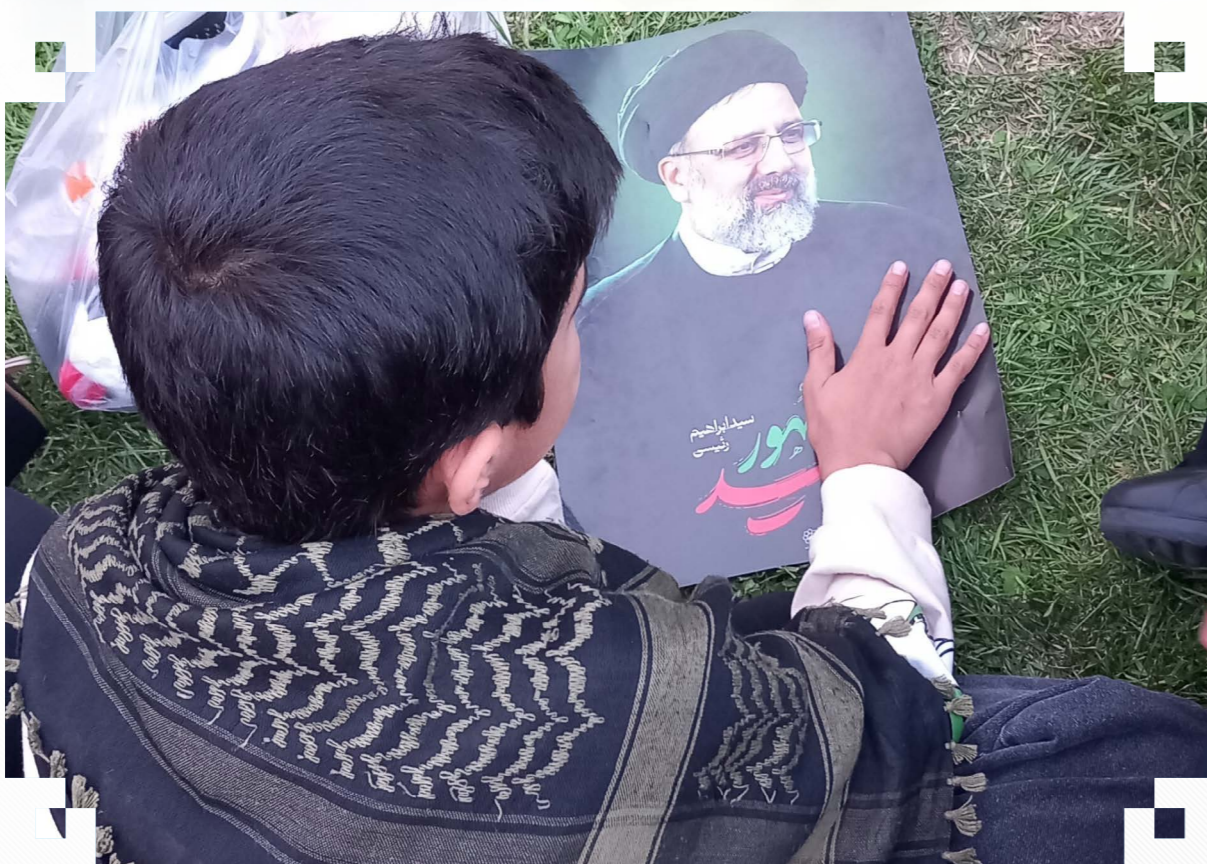
صحنه‌هایی که دیده بودم از جلوی چشمم رد می‌شد. غذای امام حسین، برکت داره... عالم محضر خداست.



به شعور مردم توهین نکنید اگر با توهین به من کار ملت درست میشه من چیزی نمی‌گم... _ سری بعدی من پشت فرمون می‌شینم ها!... تا ده صبح، مثل ابر بهار گریه کردم. نمی‌توانستم اخبار بخوانم. یکی از بچه‌ها گفت: «چقدر مظلوم بود...» توی گروه گویندگی نوشته بودند ساعت یازده

جلسه بگیریم. یادم افتاد به فیلم آبادان ۶۸؛ یک جایی از فیلم نشان می‌داد کارکنان رادیو آبادان شیشه‌ی پنجره‌ها را چسب زده بودند و می‌خواستند تحت هر شرایطی که شده، خبرها را گزارش کنند. زمان سقوط آبادان، یکی از مردهای گوینده متن را دستش گرفت که بگوید شهر، سقوط کرده که بغضش اجازه نداد... با روح تکه‌پاره شده، برویم شهادت مردی را

تسلیت بگوییم که خودمان روزی پیروزی انتخاباتش را جشن گرفته بودیم؟! دو دقیقه آرام می‌شدم، تا یکی حرف می‌زد دوباره اشکم سرازیر می‌شد. دوباره روسری مشکی ام را در آوردم. فکرش را هم نمی‌کردم، روز عیدی، مشکی سرم کنم... آماده شدم بروم جلسه. سعی می‌کردم سرپا باشم. سعی می‌کردم آرام باشم. اما فقط سعی می‌کردم...



زینب مختاری
فارغ التحصیل زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه شیراز

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ
 الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ الْقَائِمَ
 بِأَمْرِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ
 وَعَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ عَنْ
 جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

دلنویسه

فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا،
 سَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا،
 وَعَنِّي وَعَنْ وَالِدَيَّ مِنَ
 الصَّلَوَاتِ زَنَةَ عَرْشِ اللَّهِ،
 وَمَدَادَ كَلِمَاتِهِ، وَمَا أَحْصَاهُ
 عِلْمُهُ، وَأَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ

خدایا برسان به مولای
 ما امام راهنمای راه یافته،
 قیام کننده به فرمانت که
 دروذهای خدا بر او و پدران

پاکش، از سوی همه مردان
 و زنان مؤمن، در مشرق‌های
 زمین و مغرب‌هایش،
 همواری‌ها و کوه‌هایش،
 خشکی‌ها و دریا‌هایش و از
 طرف من و پدر و مادرم، از
 دروذهای به وزن عرش خدا
 و امتداد کلماتش و آنچه
 دانشش برشمرده و کتابش
 به آن احاطه یافته.



از گل شب بویی تشنه
 باران مهربانی به منجی
 عالم بشریت در آخر زمان
 مینویسم که لحظات به
 سرعت در گذر هستند
 و شمع وجود را انتظاری
 آسمانی شعله ور می‌کند
 اما چون خبری از یوسف
 زهرا نمی‌آید آن عمری
 که کوله بار خود را بسته
 و در جاده عاشقی مهدوی
 نشسته به پایان خود
 نزدیک می‌شود و خبری
 از آغاز طلوع عدالت نیست.

رودهای خروشان بر
 صخره‌ها جاری می‌شوند
 و تلاطم و بی‌قراری امواج
 خود را به نمایش می‌گذارند
 تا از دل‌تنگی خود بگویند
 که مشتاق دیدار سرچشمه
 خوبی‌ها هستند و هرچه
 انتظار طولانی‌تر می‌شود
 به خشک شدن می‌رسند
 و منتظرند و منتظر...

گل‌ها چون زاده گل
 نرگس را نمی‌بینند در
 عطش دوری می‌سوزند و
 منتظرند تا سیراب شوند...
 زمین و زمان و کائنات در

تب و تابند و جمعه‌ها را
 می‌شمارند و چون خورشید
 جمعه طلوع می‌کند
 پرتوهای امید در دل زنده
 می‌شود و با غروب جمعه
 دل شکسته به دعای عهد
 پناه می‌برند تا تجدید
 میثاق کنند...

یاصاحب‌الزمان!

تو شاهد بی‌قراری دل
 های عاشق هستی و میدانی
 جان ناقابل ما قربانی ظهور
 توست ما بال‌های پروازمان
 را آماده کرده ایم تا در
 آسمان حکومت محمدی
 و علوی ای که قرار است
 برایمان به پا کنی پرواز
 کنیم.
 این انتظار شیرین است
 چون ابتدا و انتهایش عطر
 یاس مهدوی را در عالم
 پخش می‌کند.

بیش از این طاقت نمانده
 برای ما.

پس قدم بر چشمان
 بگذار و بیا چرا که خود
 شاهد هستی، منتظریم
 بیایی و دنیایمان را گلستان
 کنی...

به امید آمدنت می‌گویم:
 «اللهم عجل لولیک
 الفرج»

اللَّهُمَّ وَسِّرْ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيَتِهِ
 وَمَنْ تَبِعَهُ عَلَى دَعْوَتِهِ،
 وَأَرْحَمِ اسْتِكَانَتَنَا بَعْدَهُ .
 اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْعَمَّةَ عَنْ
 هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ، وَعَجِّلْ
 لَنَا ظُهُورَهُ، إِنَّهُمْ يَرُونَهُ بَعِيدًا
 وَنَرَاهُ قَرِيبًا، بِرَحْمَتِكَ يَا
 أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

خدایا پیامبرت محمد
 (درود خدا بر او و خاندانش)
 را به دیدار او و کسانی که
 بر پایه دعوتش از او پیروی
 کردند شاد کن و پس از او
 به در ماندگی ما رحم فرما!
 خدایا این اندوه را از این
 امت به حضور آن حضرت
 برطرف کن و در ظهورش
 برای ما شتاب فرما!

که دیگران ظهورش را
 دور می‌بینند و ما نزدیک
 می‌بینیم.

به مهربانی‌ات ای
 مهربان‌ترین مهربانان!

**مصاحبه شونده: دکتر
غلامرضا کافی
مصاحبه کنندگان: مریم
اقتداری، ریحانه مفتاح،
نرجس کیانیان راد**

**با موضوع: مهدویت و امام
زمان (عج)**

موضوع امام زمان (عج) در حقیقت یک نیاز است. حماسه‌ها و اسطوره‌ها بر اساس نیاز انسان پدید آمده‌اند و ادبیات حماسی هم پیامد این نیازمندی است. بنابراین موضوع امام زمان (عج) یک نیاز کاملاً فطری است و اگر با آن مبارزه شود در حقیقت با فطرت مبارزه شده است. همه انسان‌ها در گرفتاری‌هایشان دنبال نبری هستند که آن‌ها را از این ورطه نجات دهد. بدین ترتیب حضور و ظهور

مصاحبه

منجی به عنوان یک نیاز کاملاً طبیعی در اسلام پیش‌بینی شده باشد؛ نه به صورت آرزو و میل بلکه به صورت تجسم و تعیین. شخصیت امام زمان (عج) با جهان اساطیری پیوند خورده است بدین معنی که ما دوتا قدرت بزرگ داشتیم یعنی ایران و روم. ما از طریق امام سجاد علیه السلام با ایران پیوند می‌خوریم؛ امام سجاد علیه السلام زاده یک شخص ایرانی است که بعد می‌رسیم به زاده یک شخص رومی یعنی امام زمان (عج) و این پیوند پیش‌بینی شده از قبل است. در قدیم بنا بوده که ظهور مسیح زمینه ساز ظهور اسلام و حضرت محمد (ص) باشد. در هر دو مذهب بزرگ اسلام یعنی شیعه و سنی این باور وجود دارد و اختلافات اندکی در این

زمینه با هم دارند. در حوزه ادبیات شعر مهدوی گسترده‌ترین بخش شعر آئینی است. شعر آئینی ما هم چنان که گسترده است کاربردی هم هست از نوع اجتماعی. ما از ازل شعر فارسی به نوعی شعر مهدویت را داریم اما در عصر صفوی بیشتر می‌شود و در دوره قاجار به گونه‌یی است که انجمن ادبی قدس به وجود می‌آید. در دوره معاصر بیست و نه جلد فرهنگ شعر مهدوی توسط آستان قدس رضوی به چاپ می‌رسد. بنیاد موعود زیر نظر استاد شفیع سروستانی کاری در حوزه شعر مهدوی کردند که گویی ادامه بیست و نه جلد فرهنگ شعر مهدوی است. بنابراین فکر نمی‌کنم که هیچ موضوعی از موضوع‌های شعر آئینی

این حجم اثر را تولید کرده باشد.

خوانش شعر گل موعود:

خبر دادند مخموران
زنوشانوش مستانش
که درس کردند مدهوشان
هم از عطر گریبانش

چه تمثیلی ست با
نرگس بنام چشم آن گل را
همه چشم ست نرگسزار
و آن هم هست حیرانش

خیال چشم اودر گردش
آورده ست عالم را

به جز گردش نمی
گردنداز پیدا و پنهانش

بهشت از روی او یک
نسخه ی کمرنگ در قاب
ست
اگرچه خوانده شد آن
نازنین طاووس بستانش

خیال قامتش را در غزل
بیهوده می بندم
که آتش می زند بر دل
رباعی‌های مژگانش

زمین آن گونه خواهد بود
با عطر ظهور او
که ابراهیم خواهد
سوخت از رشک گلستانش
بهشت از روی او یک
نسخه ی کمرنگ در قاب
ست
اگرچه خوانده شد آن
نازنین طاووس بستانش

نه موسی می شناسم
من نه عیسی گرچه می
دانم
ملایک پرده داران و





رسولانند دربانش

حساب کوفی و شامی
ست باتیغ سر افشانشموعودجان دادند
کنار لاله نرگس روید از
خاک شهیدانشبه سامان قیامت باش در
آدینه ی میعاد
که خیل مردگان را زنده
خواهد کرد فرمانش!ستم در پیشگاه او به
خاک لابه می غلتد
سرطاغوت می ریزد به
بردابرد میدانش!به خواب سرمه می بندم
غبار کاروانی را
که قصد سامرا دارد به
بوی گرد دامانشکفن پوشیده برخیزند
از خاک لحد آن روز
چنان اصحاب کهف از
غار مردان فراوانشاگر خون موج بردارد اگر
گل هیچ فرقی نیست
فقط ما عاشقان خواهیم
در این عرصه جولانشمرارت های هجران با
خیال دوست آسان ست
همان عکسی که یوسف
داشت بر دیوار زندانش!شکوه کربلا تکرار خواهد
شد ولی این بار

زبس چشم انتظار آن گل



معرفی کتاب شجره طوبی

نرجس کیانیان راد

دانشجوی کارشناسی زبان

و ادبیات فارسی

دانشگاه شیراز

این کتاب در ۱۲ فصل و با هدف پاسخگویی به پرسش‌هایی درباره مهدویت نوشته و منتشر شده است. فصل اول این کتاب در دو گفتار معرفت امام و موانع شناخت امام، فصل دوم در خصوص شرایط ظهور حضرت مهدی(عج)، فصل سوم علائم حتمی ظهور، فصل چهارم چند مورد علائم غیرحتمی ظهور و فصل پنجم زمان ظهور را در دو دیدگاه امام به زمان ظهور خود واقف است و مجهول بودن زمان ظهور مطرح کرده است

موضوع سپاهیان حضرت مهدی(عج) در

فصل ششم، بیعت با امام زمان(عج) در فصل هفتم، امدادهای غیبی در قیام حضرت مهدی(عج) در فصل هشتم، دولت و حکومت حضرت مهدی(عج) در فصل نهم مطرح شده است
فصل دهم «شجره طوبی» نیز به موضوع فرجام زندگی امام زمان شهادت یا رحلت؟ در دو دیدگاه شهادت امام زمان و رحلت به مرگ طبیعی پرداخته است و در دو فصل پایانی یعنی فصل یازدهم و دوازدهم نیز در خصوص دو موضوع وضعیت جهان پس از عصر ظهور و رجعت معصومین مطالبی آمده است

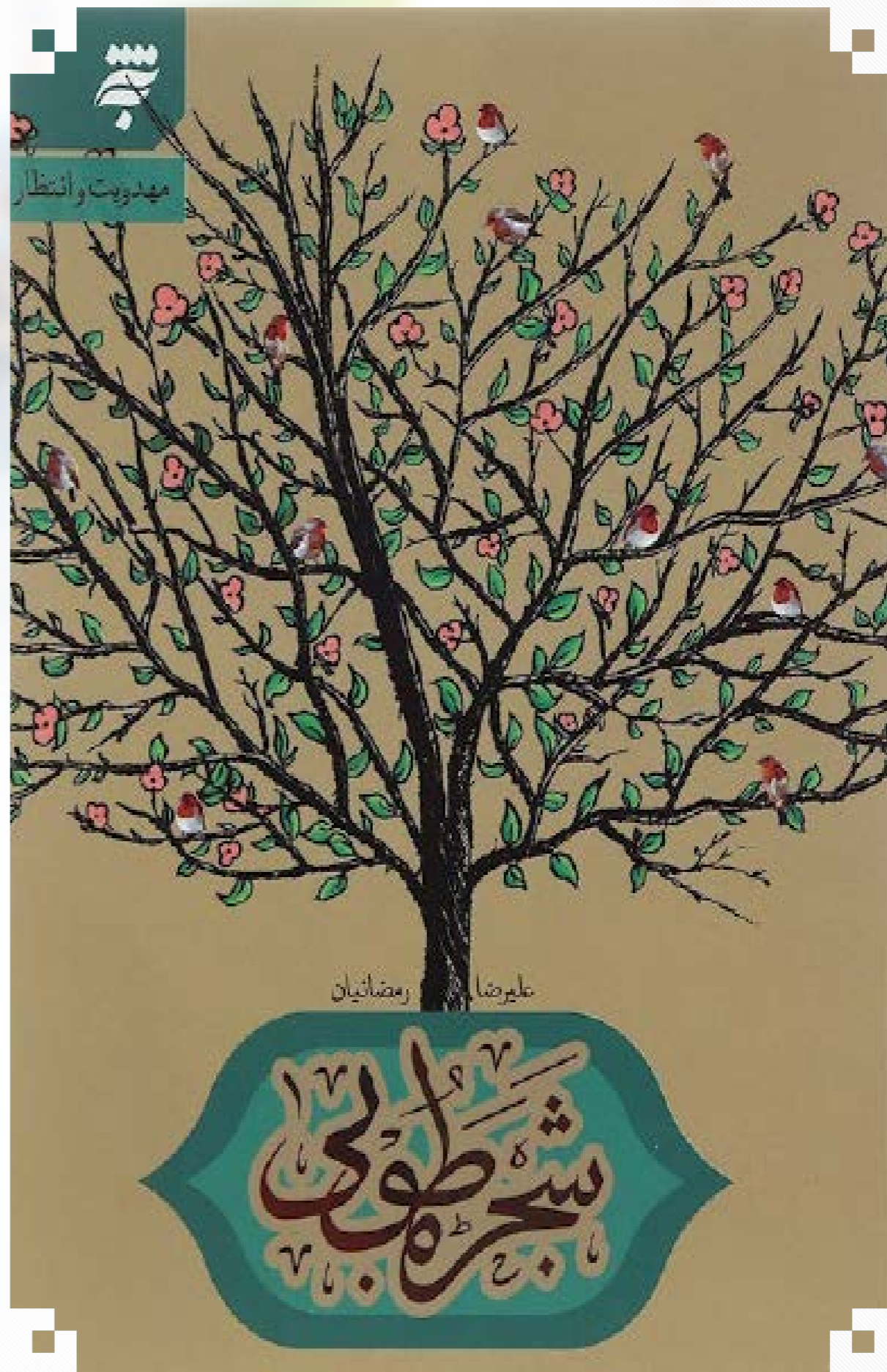
در پیش‌گفتار این اثر، به این‌مساله اشاره شده که ظهور و قیام جهانی امام زمان(عج)

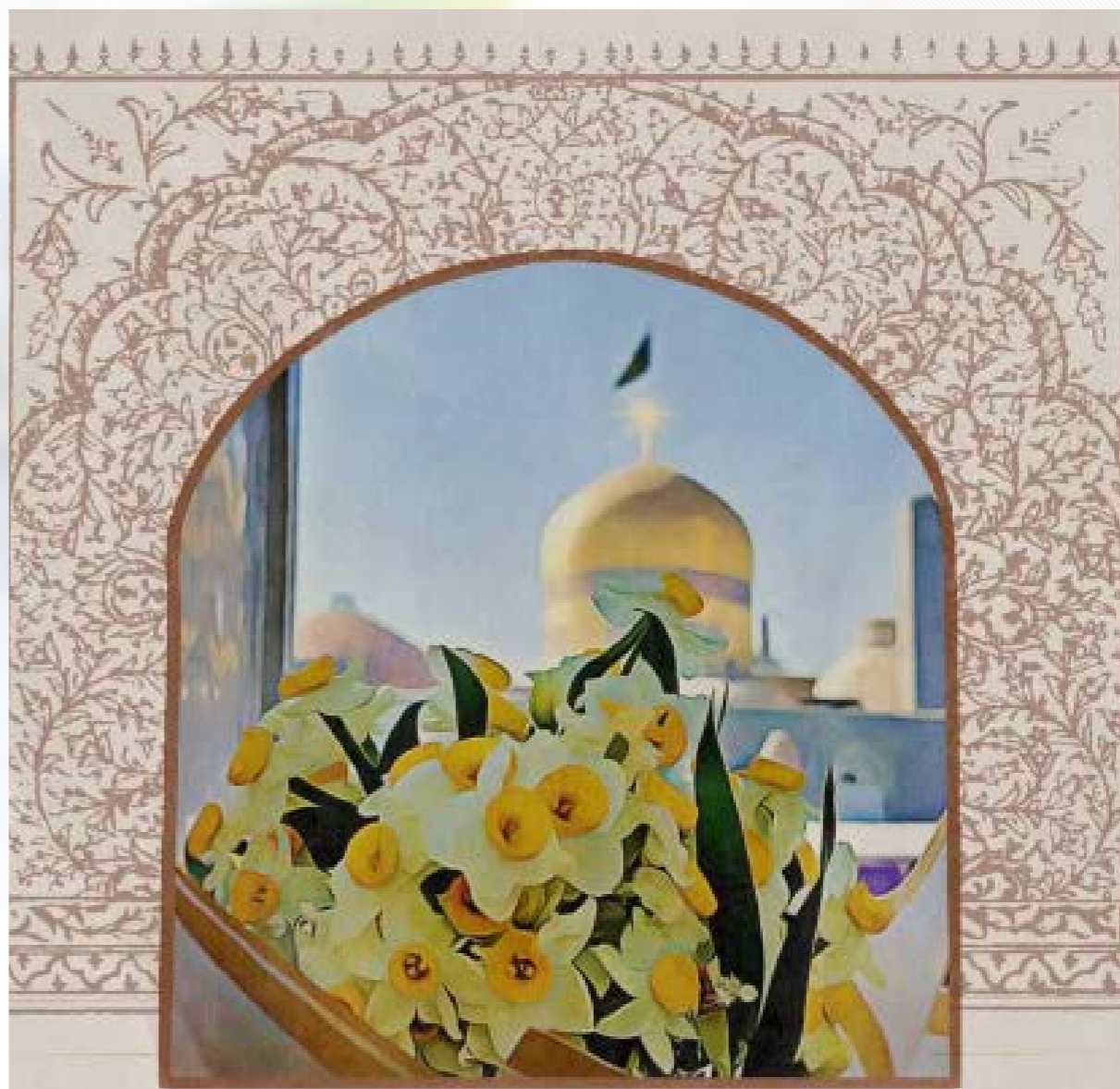
به عنوان رخدادی مهم و مورد بشارت همه پیامبران و اولیاء الهی در کانون نگاه علاقه‌مندان به مباحث مهدویت قرار دارد؛ به‌ویژه آنکه شیعیان آرزومند تحقق آن هستند و دشمنان نیز در بیم از دست دادن موقعیت خود آن را دنبال می‌کنند تا برای مقابله با آن غافلگیر نشوند

این‌مباحث برای ۴ سال ذهن نویسنده کتاب پیش‌رو را به خود مشغول کرده بودند که نتیجه آن‌ها، تولید این‌کتاب شده است



باهم خوابستار ظهور شویم...

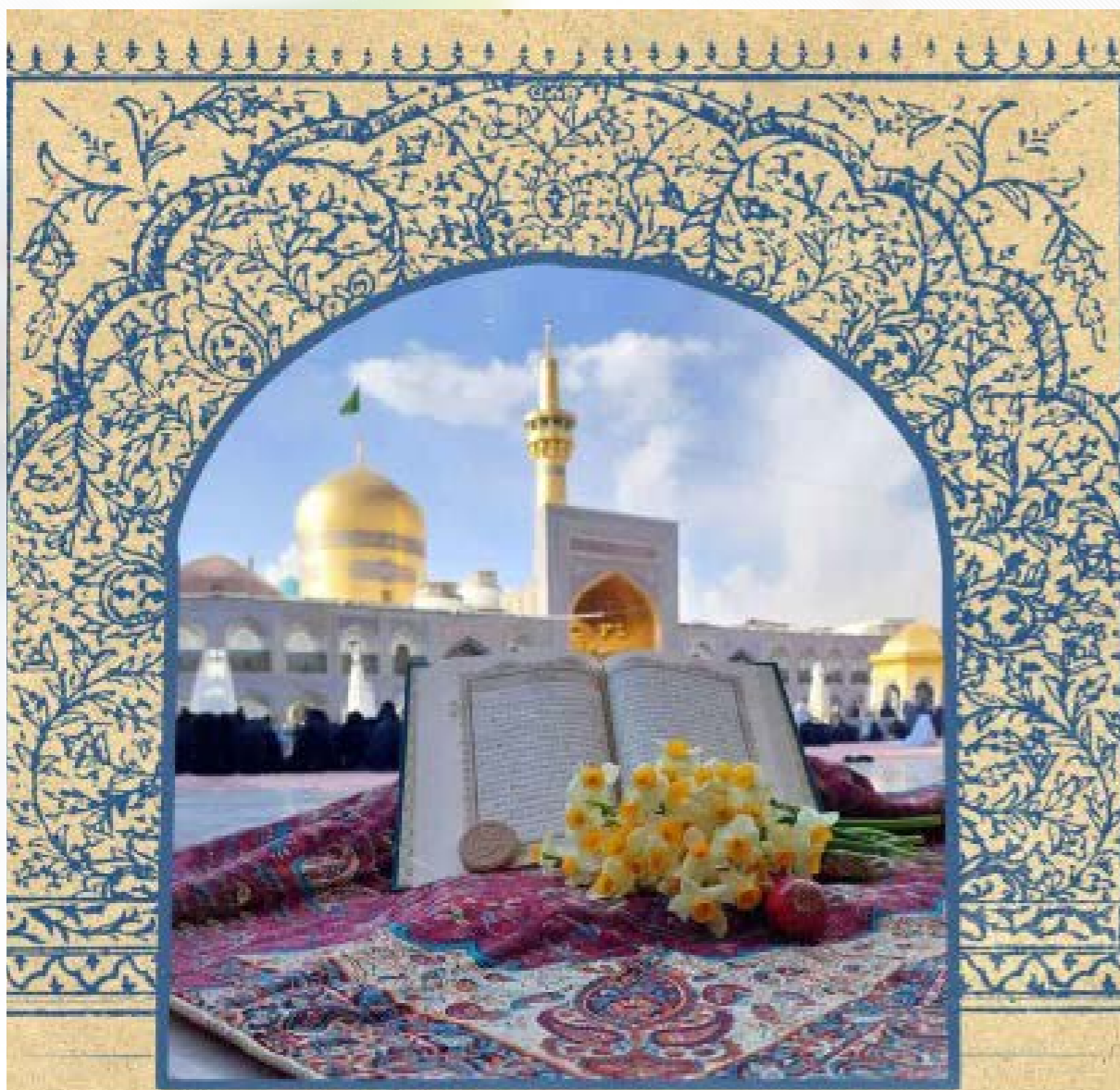




فرازی از دعای امام رضا برای حضرت مهدی

خداوندا به وسیله حضرت مهدی
مومنان را عزیز بگردان و سنت های پیامبران را احیا کن

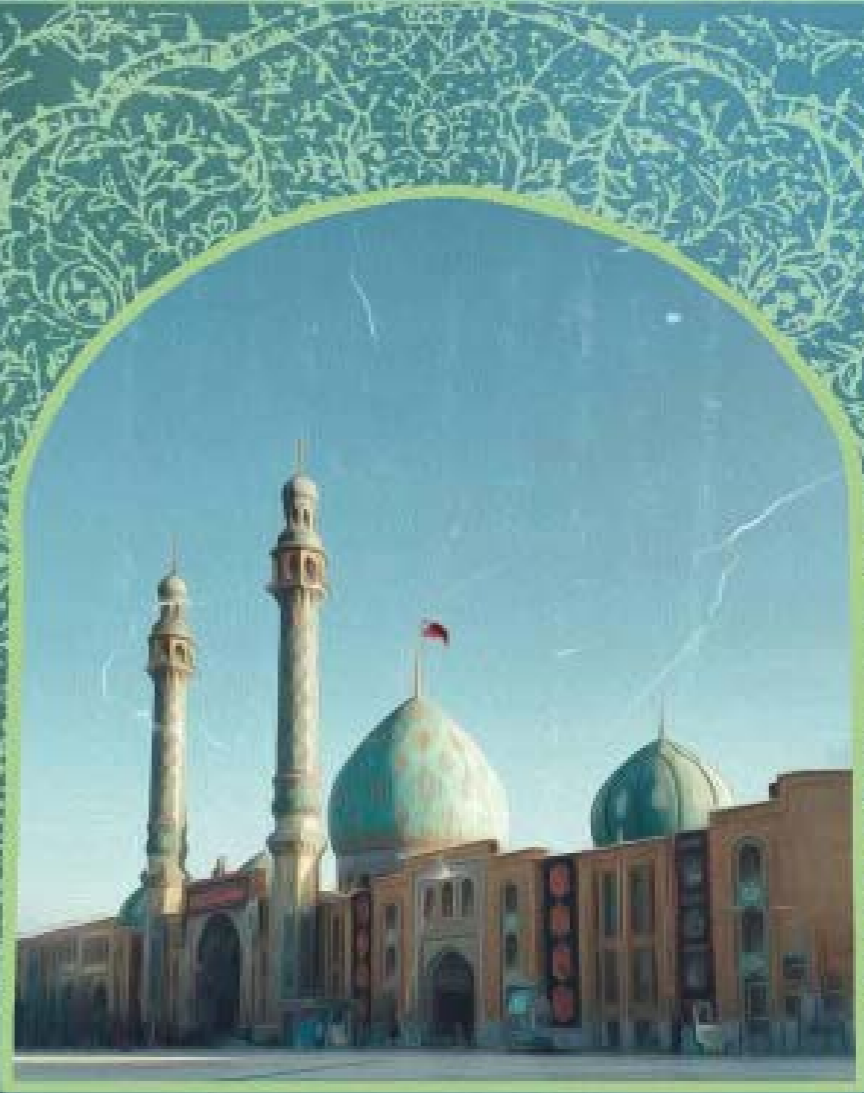
اللَّهُمَّ... أَعِزِّ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأُخِي بِهِ سُنَّ التَّرْسَلِينَ



فرازی از دعای امام رضا برای حضرت مهدی

خداوندا، با طولانی کردن عمر حضرت مهدی
به زمین زینت ببخش

اللَّهُمَّ... زَيِّنْ بِطَوْلِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ

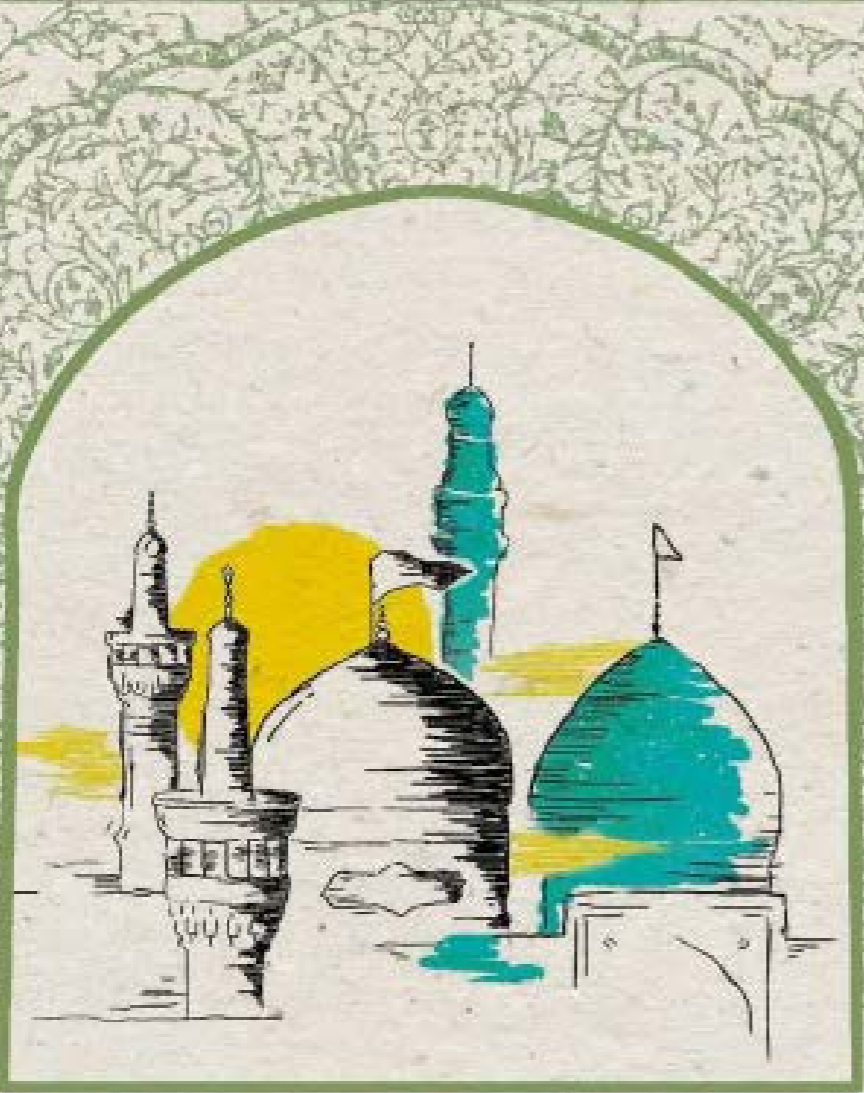



فرازی از دعای امام رضا برای حضرت مهدی

خداوندا، ما را از خستگی و تنبلی و سستی
در یاری حضرت مهدی پناه بده

اللَّهُمَّ... وَاعِزَّنَا مِنَ الشَّامَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفَتْرَةِ (فی امره)

مفاتیح الجنان





فرازی از دعای امام رضا برای حضرت مهدی

خداوندا، ما را در اطاعت از حضرت مهدی
قوت ببخش و در پیروی از او ثابت قدم بدار

(اللَّهُمَّ... وَقَوِّنَا عَلَى طَاعَتِهِ، وَثَبِّتْنَا عَلَى مُشَابِعَتِهِ)

مفاتیح الجنان



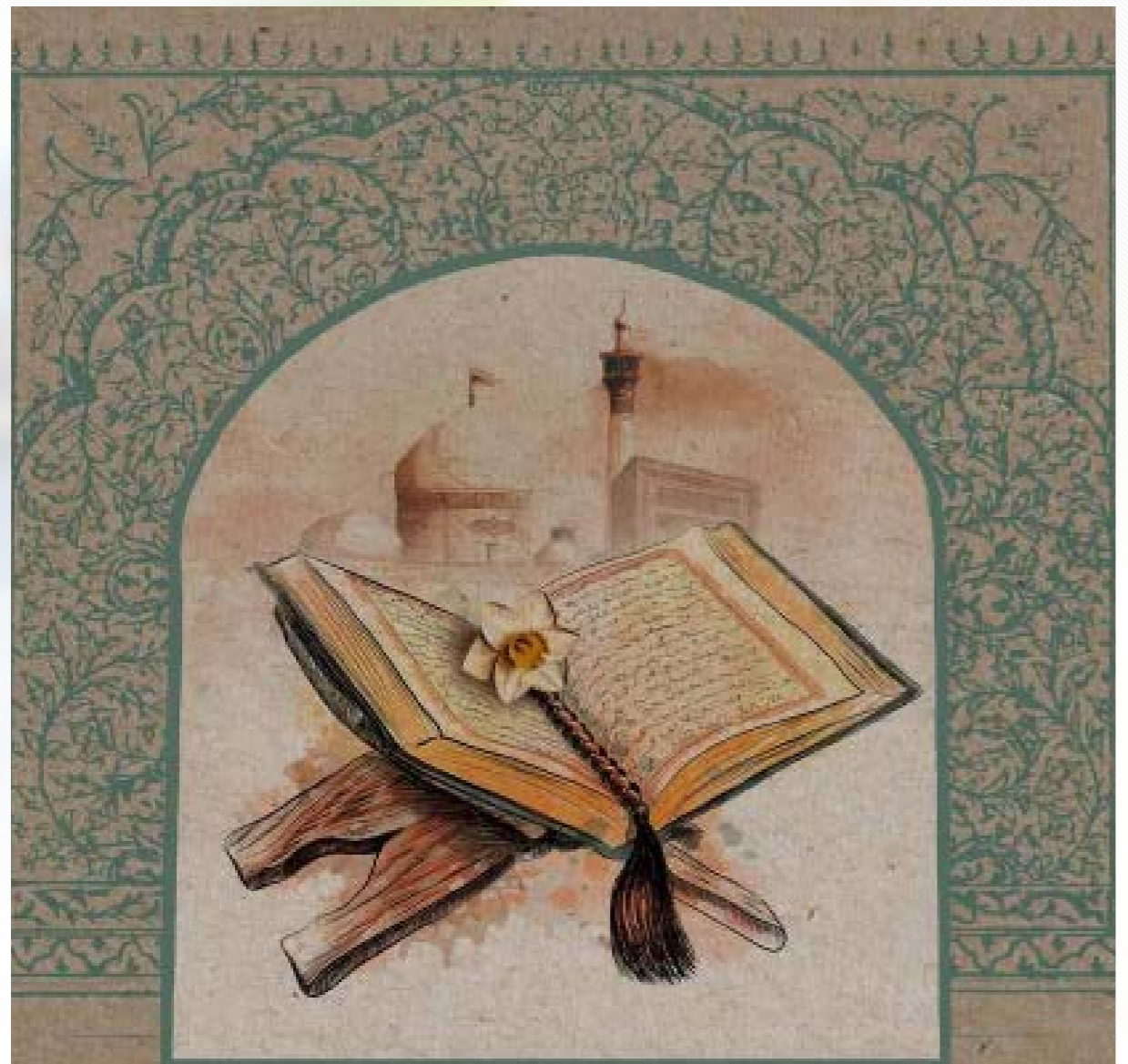
فرازی از دعای امام رضا برای حضرت مهدی

خداوندا، به دستان حضرت مهدی
ما را در جاده هدایت و شاهراه سعادت پیش ببر

(اللَّهُمَّ... اِنلِكَ بِنَا عَلِيٍّ يَدِيهِ مِنْهَاجُ الْمُهْدِيِّ، وَالْحُجَّةُ الْعَظْمَى)

مقتضی الحان

© Eiteja
@Eiteja.com



فرازی از دعای امام رضا برای حضرت مهدی

خداوندا، به دستان حضرت مهدی
آنچه از دین و احکامات محو شد و تغییر یافته، تازه کن

(اللَّهُمَّ... وَجَدَّ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ، وَبَدَّلَ مِنْ حُكْمِكَ)

مقتضی الحان

© Eiteja
@Eiteja.com

گزارشات

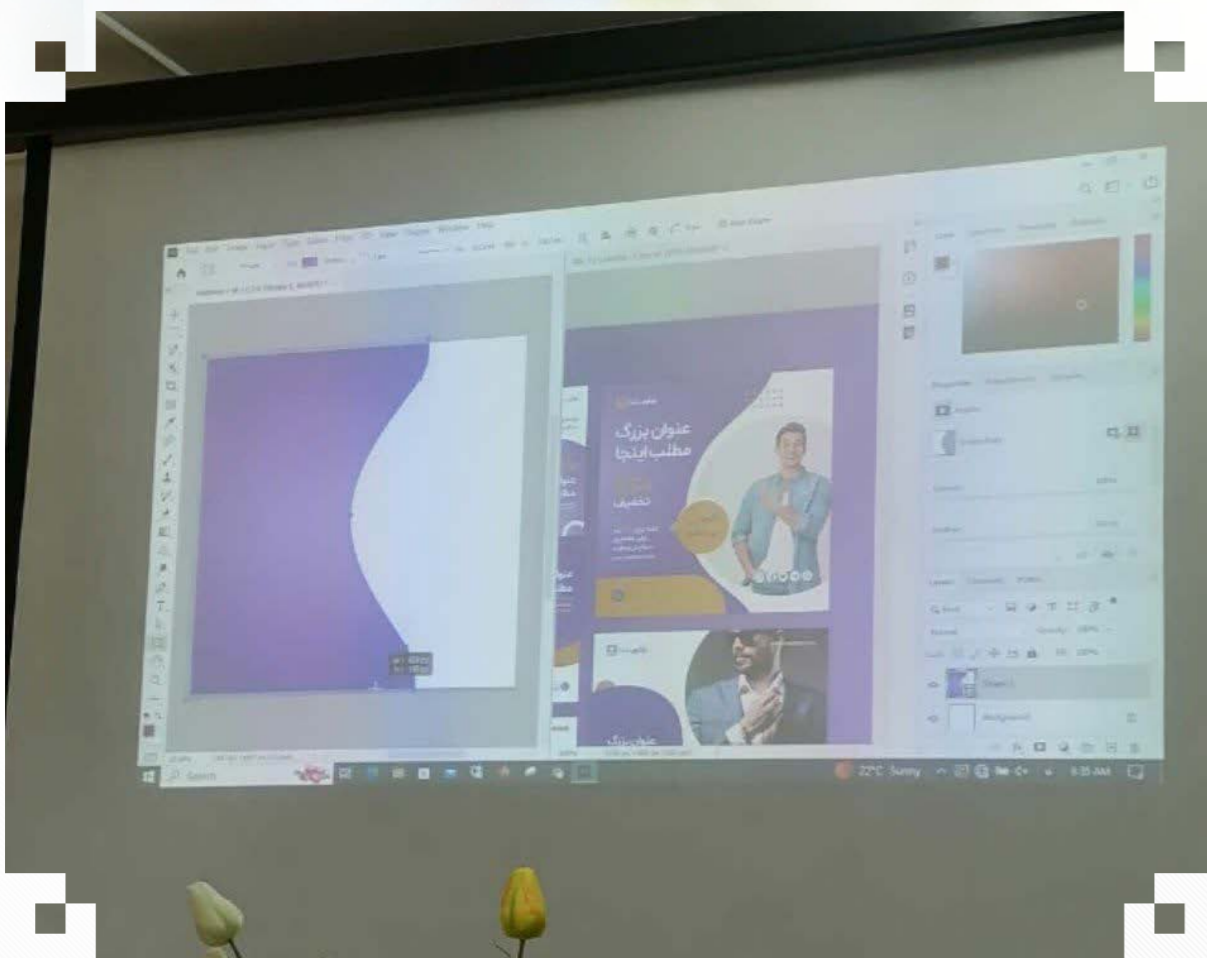
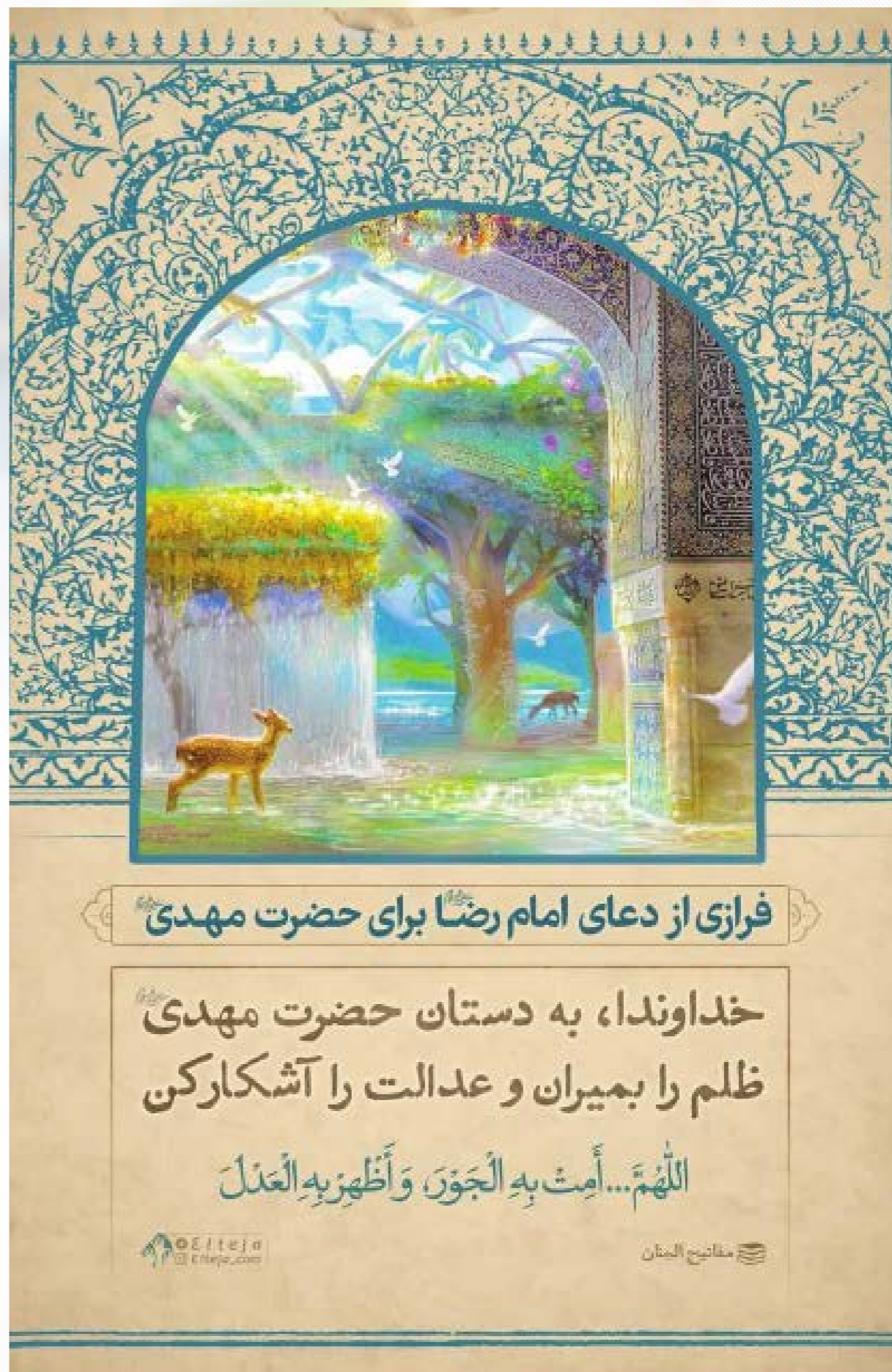
فاطمه کشاورزی

دانشجوی کارشناسی رشته تربیت بدنی

دانشگاه شیراز

دوره فتوشاپ مقدماتی

کانون مهدویت دانشگاه شیراز به همت اعضای فعال خود، یک دوره کلاس های فتوشاپ مقدماتی برای اعضای شورای مرکزی کانون های فرهنگی دانشگاه برگزار کرد. این دوره، با حضور استاد سلیمانی، از تاریخ ۶ اردیبهشت ماه آغاز و با برگزاری یک جلسه در هفته، پنجشنبه ساعت ۸-۱۱، ادامه پیدا کرده و از آنجا که با استقبال خوبی همراه شد، دانشجویان، خواستار برگزاری دوره جدید و پیشرفته فتوشاپ هستند. لازم به ذکر است که این کلاس ها با تخفیف ویژه برای دانشجویان ورودی جدید و اندکی تخفیف برای فارغ التحصیلان در سالن جلسات معاونت فرهنگی دانشگاه شیراز برگزار گردید



سه شنبه مهدوی

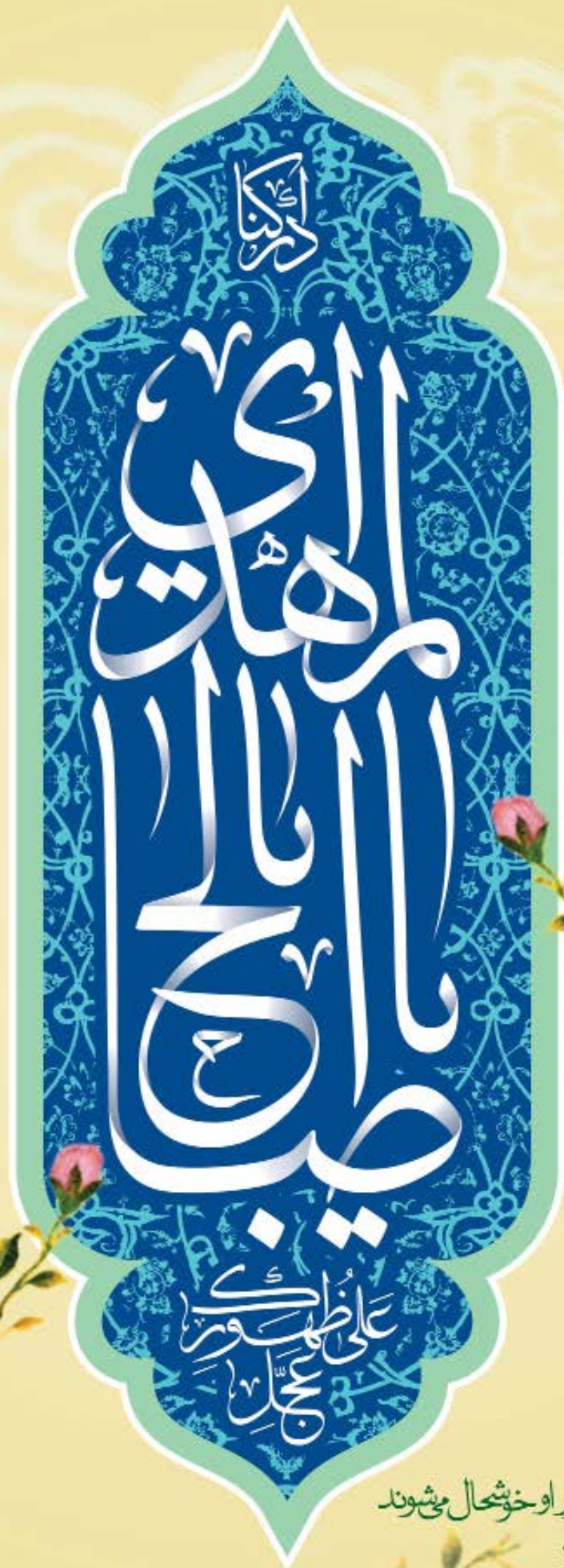
در تاریخ ۲۲ خرداد ماه ۱۴۰۳ برنامه سه شنبه مهدوی اجرایی شد؛ این برنامه شامل اهدای کارت پستال مهدوی، حاوی متن مهدوی و تبریک سالروز ازدواج حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) بود. همچنین در سه شنبه این هفته مسابقه ای تحت عنوان وجدان بیدار برگزار گردید؛ که دانشجویان کد کیو آر را اسکن کرده و به صوت چند دقیقه ای پیرامون نامه رهبری خطاب به دانشجویان آمریکایی گوش فرا داده، سپس به سوالات مربوطه جواب می دادند. این مسابقه تا عید قربان ادامه دارد و در روز عید جوائز، به برندگان اهدا میگردد. برنامه این هفته نیز همانند سایر هفته ها مورد استقبال خوبی قرار گرفت. ضمن اجرای برنامه، از رهگذران با عرقیجات و شیرینی پذیرایی به عمل آمد



اکران فیلم جاودانگی

کانون مهدویت دانشگاه شیراز با همکاری انجمن دانشکده الهیات و معارف اسلامی، روز یکشنبه ۶ خرداد ماه ۱۴۰۳، در سالن دکتر شهیدی واقع در دانشکده الهیات فیلم جاودانگان را اکران کردند. این برنامه یک ساعته، با حضور حاج آقا محمد کاظم مجرد که مسوولیت نقد و توضیح فیلم را به عهده داشتند با استقبال خوبی همراه شد. در آخر نیز از مهمانان با کیک و آمیوه پذیرایی به عمل آمد.





ماه صیلا (عالمی سیلا)

اهل آسما و زمین به وسیله ظهور او خوشحال میشوند
پرنده گان هوا و ماهیان دریا نیز
با ظهور او خوشحال میشوند

